



معماری مالیات در دنیای رمزارزها؛

از تجربه کشورهای پیشرو تا الگویی برای ایران



معاونت مطالعات اقتصادی و آینده پژوهی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران





معاونت مطالعات اقتصادی و آینده پژوهی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

معماری مالیات در دنیای رمزارزها؛ از تجربه کشورهای پیشرو تا الگویی برای ایران

از طریق پست الکترونیکی زیر می‌توانید پیشنهادها و نظرات اصلاحی خود را به واحد
مربوطه منعکس نمایید:

economic_research@tccim.ir

مواضع این گزارش، الزاما مواضع اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران نیست.

استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع بلامانع است.

خرداد ۱۴۰۳

خلاصه مدیریتی

در پی بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۹ و کاهش اعتماد عمومی به نهادهای مالی و پولی مرکزی، جهان شاهد ظهور پدیده‌ای نوین به نام رمزارزها شد. با ورود به عصر دیجیتال، رمزارزها نه تنها به عنوان ابزار مبادله، بلکه به عنوان یک فناوری تحول آفرین در ساختار پولی، بانکی و حتی حاکمیتی مطرح شده‌اند. با وجود مزایایی همچون تسهیل در انجام مبادلات، ارتقاء امنیت تراکنش‌ها، کاهش هزینه‌های انتقال، گمنامی نسبی، و تسهیل دسترسی آحاد جامعه به خدمات مالی، رمزارزها با چالش‌ها و ریسک‌های متعددی از جمله امکان سوءاستفاده در فعالیت‌های غیرقانونی نظیر پولشویی، تأمین مالی تروریسم، فرار مالیاتی، و همچنین تهدیداتی برای ثبات مالی، حاکمیت پول ملی و افزایش احتمالی نابرابری اقتصادی همراه هستند. بنابراین، طراحی و اجرای نظام‌های تنظیم‌گرانه و قانونی جامع برای مدیریت این حوزه، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای دولت‌هاست. رویکرد کشورهای مختلف در مواجهه با رمزارزها تفاوت چشمگیری دارد؛ برخی کشورها به واسطه نگرانی از مخاطرات امنیتی و اقتصادی، سیاست ممنوعیت و تقابل سختگیرانه را اتخاذ کرده‌اند، در حالی که گروهی دیگر با هدف بهره‌برداری از مزایای نوآوری، رویکردی حمایتی اتخاذ کرده و بسترهای قانونی برای توسعه بازار رمزارزها و جذب شرکت‌های فناوری را فراهم کرده‌اند. در این میان، دسته سوم از کشورها نیز وجود دارند که از طریق تنظیم‌گری هوشمندانه، تلاش می‌کنند ضمن مهار مخاطرات این فناوری نوظهور، بهره‌برداری اقتصادی، مالیاتی و فناوری از آن را نیز ممکن سازند. در این مسیر، مالیات‌ستانی یکی از ابزارهای کلیدی و چندمنظوره تنظیم‌گری محسوب می‌شود. اخذ مالیات از رمزارزها نه تنها به توزیع عادلانه‌تر درآمد و مهار سوداگری در این بازار کمک می‌کند، بلکه به دولت‌ها امکان می‌دهد جریان دارایی‌های دیجیتال را شناسایی و کنترل کنند و زیرساخت‌های مالی خود را با مقتضیات اقتصاد دیجیتال تطبیق دهند. تجارب کشورهای پیشرو نظیر ایالات متحده، بریتانیا، استرالیا و آلمان نشان می‌دهد که موفقیت در مالیات‌ستانی از رمزارزها مستلزم تعریف حقوقی روشن از انواع دارایی‌های دیجیتال، نظام گزارش‌دهی دقیق تراکنش‌ها، و به‌کارگیری ابزارهای فناورانه نظارتی مبتنی بر بلاک‌چین است. با این حال، چالش‌هایی از قبیل نوسانات شدید در ارزش رمزارزها، ناشناس بودن ذاتی بسیاری از تراکنش‌ها، ظهور مستمر فناوری‌های نوین و پیچیده، و دشواری‌های اجرایی در پیگیری فعالیت‌های برون‌مرزی، از موانع اصلی در طراحی نظام مالیاتی مؤثر برای این حوزه به‌شمار می‌روند. در ایران نیز به‌رغم رشد استفاده از رمزارزها، فقدان قوانین مشخص و نظام مالیاتی تعریف‌شده موجب شده است که بخش قابل توجهی از فعالیت‌های رمزارزی در خلأ نظارتی و مالیاتی انجام گیرد. این خلأ قانونی، در کنار ماهیت پیچیده و چندوجهی رمزارزها، موجب شده است که تنظیم‌گری در این حوزه با چالش‌های متعددی روبه‌رو باشد. در شرایطی که بازار رمزارزها در ایران عمدتاً فضای سوداگرانه و سفته‌بازانه دارد، عدم تدوین یک سیاست مالیاتی منسجم ممکن است منجر به پیامدهایی نظیر فرار مالیاتی، افزایش نابرابری، تضعیف پایه مالیاتی دولت، و حتی بی‌ثباتی در نظام پولی و ارزی کشور شود. در این راستا و برای جلوگیری از پیامدهای مزبور، راهکارهای سیاستی همچون تدوین چارچوب قانونی شفاف برای شناسایی دارایی‌های دیجیتال، راه‌اندازی نظام خوداظهاری مالیاتی، بهره‌گیری از فناوری‌های نظارتی بلاک‌چینی، و ایجاد سازوکارهای همکاری بین‌نهادی برای نظارت و مالیات‌ستانی مؤثر از رمزارزها در ایران پیشنهاد می‌شود.



Executive Summary

Following the global financial crisis of 2009 and the resulting decline in public trust toward central financial and monetary institutions, the world witnessed the emergence of a new phenomenon known as cryptocurrencies. With the advent of the digital era, cryptocurrencies have not only been recognized as a medium of exchange but have also emerged as a transformative technology impacting monetary systems, banking structures, and even governance frameworks. Despite offering benefits such as facilitating transactions, enhancing security, reducing transfer costs, relative anonymity, and broader access to financial services, cryptocurrencies also pose several risks and challenges. These include potential misuse in illegal activities such as money laundering, terrorist financing, tax evasion, and broader threats to financial stability, national monetary sovereignty, and growing economic inequality. As such, designing and implementing comprehensive regulatory and legal frameworks for managing this domain has become an unavoidable necessity for governments. Countries have taken markedly different approaches to cryptocurrencies: some have adopted strict prohibitionist stances due to security and economic concerns, while others have taken a supportive approach aimed at leveraging innovation by creating legal infrastructures to develop crypto markets and attract tech companies. A third group of countries seeks to regulate cryptocurrencies intelligently, aiming to minimize associated risks while simultaneously enabling economic, fiscal, and technological benefits. In this context, taxation has emerged as one of the key multi-functional tools of regulation. Proper taxation of cryptocurrencies not only helps achieve a more equitable distribution of income and curbs speculative behavior but also enables governments to identify and monitor digital asset flows, thereby aligning their financial infrastructures with the needs of the digital economy. The experience of leading countries such as the United States, the United Kingdom, Australia, and Germany demonstrates that success in crypto taxation requires clear legal definitions of digital assets, comprehensive transaction reporting systems, and the use of advanced blockchain-based monitoring technologies. Nevertheless, challenges such as extreme price volatility, the inherent anonymity of many crypto transactions, the continuous emergence of complex new technologies, and cross-border enforcement difficulties remain significant obstacles to effective tax system design for this sector. In Iran, despite growing use of cryptocurrencies, the absence of specific legislation and a defined tax system has resulted in a large portion of crypto-related activities occurring in a regulatory and fiscal vacuum. This legal gap, coupled with the complex and multifaceted nature of cryptocurrencies, has made effective regulation difficult. Given the predominantly speculative and profit-driven nature of Iran's crypto market, failure to develop a coherent tax policy may lead to outcomes such as tax evasion, increased inequality, erosion of the government's tax base, and potential instability in the national monetary and financial system. Therefore, to prevent such consequences, the following policy measures are recommended for Iran: establishing a clear legal framework for recognizing digital assets as taxable wealth, introducing a self-reporting tax system for crypto holders, leveraging blockchain-based monitoring technologies, and creating inter-institutional coordination mechanisms to ensure effective oversight and taxation of cryptocurrency activities.



فهرست مطالب

مقدمه.....	۶
۱. معرفی رمزارزها.....	۷
۱-۲. ویژگی‌های برجسته ارزهای دیجیتال.....	۸
۲. مالیات بر رمز ارزها.....	۱۰
۳. تجربه کشورهای پیشرو در مالیات رمزارزها.....	۱۲
۴. چالش‌های کلیدی در اجرای مالیات بر رمز ارزها.....	۱۷
۵. مسیر قانون‌گذاری و ورود حاکمیت به حوزه دارایی‌های دیجیتال در ایران.....	۱۸
۶. جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی.....	۲۶
منابع.....	۳۰



مقدمه

در گزارش حاضر تلاش شده است تا ضمن بررسی ادبیات و تجربیات موجود در زمینه مالیات‌ستانی از رمز ارزها، پیشنهادات سیاستی متناسبی با فضای اقتصادی کشور ارائه شود. در بخش اول گزارش به معرفی رمز ارزها پرداخته شده و ویژگی‌های برجسته این ارزها مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش دوم به رویدادهای مشمول مالیات و مدل‌های مالیات‌ستانی اشاره شده و در بخش سوم گزارش، تجربه مالیات‌ستانی پنج کشور آلمان، آمریکا، انگلستان، استرالیا و ژاپن به صورت تفصیلی آورده شده است. لازم به ذکر است که انتخاب این کشورها در قالب موردهای مطالعاتی به دلیل پیشگام بودن آنها در زمینه تدوین قوانین در این عرصه است. در بخش چهارم به چالش‌های اجرایی در زمینه مالیات‌ستانی از رمز ارزها اشاره شده و در بخش پایانی نیز پیشنهاداتی برای ایران در راستای مالیات‌ستانی از رمز ارزها مطرح شده است. این پژوهش تلاش دارد گامی در جهت تدوین سیاست‌های مالیاتی کارآمد در مواجهه با اقتصاد دیجیتال و رمز ارزها بردارد.

۱. معرفی رمزارزها

اولین گام در عرصه شناسایی ارزهای رمزنگاری شده، تمایز میان مفاهیم ارزهای رمزنگاری شده و دیگر مفاهیم وابسته و مشابه است. با وجود شباهت ظاهری، مفاهیمی چون ارز دیجیتال، ارز مجازی و ارز رمزنگاری شده از نظر ماهیتی متفاوتند و به کارگیری آن‌ها به صورت مترادف، نادرست و فاقد دقت علمی است.

ارز دیجیتال به طور کلی به پولی اطلاق می‌شود که به صورت الکترونیکی ذخیره و منتقل می‌شود و ماهیتی مبتنی بر داده‌های صفر و یک دارد. در این میان، رمزارز (cryptocurrency) نوع خاصی از ارز دیجیتال است که با استفاده از فناوری رمزنگاری طراحی شده است. واژه «رمزارز» از ترکیب دو واژه‌ی Crypto (رمزنگاری) و Currency (ارز) تشکیل شده است.

طبق تعریف واژه‌نامه‌ی Merriam-Webster، رمزارز به «هر نوع ارزی گفته می‌شود که صرفاً به شکل دیجیتال وجود دارد، معمولاً هیچ مرجع مرکزی برای صدور یا نظارت بر آن وجود ندارد و در عوض از یک سیستم غیرمتمرکز برای ثبت تراکنش‌ها و مدیریت تولید واحدهای جدید استفاده می‌کند. این نوع ارز برای جلوگیری از جعل و تقلب بر فناوری رمزنگاری متکی است.»

بر اساس مقاله‌ی Nakamoto (۲۰۰۸) که آغازگر انقلاب بیت‌کوین^۱ و فناوری بلاک‌چین بود، رمزارز نوعی پول دیجیتال است که به صورت غیرمتمرکز، بدون نیاز به یک نهاد واسطه مانند بانک مرکزی، و مبتنی بر فناوری بلاک‌چین و رمزنگاری کلید عمومی (Public Key Cryptography)^۲ کار می‌کند و هدف آن فراهم‌سازی یک سیستم پرداخت هم‌تا به هم‌تا (peer-to-peer) است. نویسندگان دیگر با الفاظ مختلف البته با همین مضامین، رمزارز را تعریف کرده‌اند.

با گذشت زمان مزایای این فناوری ثابت شده و مورد اقبال عمومی قرار گرفت. بر این اساس رمزارز را می‌توان سرمایه یا داشته‌ای مجازی و دیجیتالی دانست که برخلاف پول رایج کاغذی پشتوانه حکومتی ندارد. رمزارزها را می‌توان بر اساس عملکرد، ساختار و کاربرد به چند دسته‌ی اصلی تقسیم کرد:

۱. رمز ارزهای پرداختی^۳؛ هدف اصلی این رمزارزها مانند بیت‌کوین و لایت‌کوین، ایفای نقش پول دیجیتال و ابزار مبادله است (بژوسکی و همکاران^۴، ۲۰۲۳).

۲. توکن‌های کاربردی^۵؛ این توکن‌ها برای دسترسی به خدمات یا محصولات در یک پلتفرم خاص استفاده می‌شوند. این توکن‌ها معمولاً در عرضه اولیه سکه (ICO)^۶ توزیع می‌شوند. (بندتی و همکاران^۷، ۲۰۲۳).

^۱ Bitcoin

^۲ رمزنگاری کلید عمومی (PKC) که به اسم رمزنگاری نامتقارن نیز شناخته می‌شود، چارچوبی است که از دو کلید عمومی و خصوصی استفاده می‌کند و این امر بر خلاف رمزنگاری متقارن است که فقط از یک کلید بهره می‌برد.

^۳ Payment Cryptocurrencies

^۴ Bezhovski

^۵ Utility Tokens

^۶ ICO مخفف فروش اولیه سکه است، نوعی روش نوین جمع‌آوری سرمایه محسوب می‌شود. در این روش، شرکت‌ها با ارائه توکن‌های رمزنگاری شده به سرمایه‌گذاران، از آن‌ها سرمایه جمع‌آوری می‌کنند.

^۷ Benedetti and et al

۳. توکن‌های امنیتی^۸؛ این دسته، دارایی‌های دیجیتالی معادل اوراق بهادار سنتی هستند که تابع مقررات مالی مانند اوراق بهادار هستند (ممتاز^۹، ۲۰۲۳).

۴. رمزارزهای پایدار^{۱۰}؛ رمزارزهایی مانند تتر که ارزش آن‌ها به یک دارایی ثابت مانند دلار آمریکا متصل است تا نوسان قیمتی را کاهش دهد (فیدلر و آنت^{۱۱}، ۲۰۲۳).

۵. رمزارزهای حریم‌خصوصی محور^{۱۲}؛ این رمزارزها مانند مونرو^{۱۳} و زی‌کش^{۱۴}، تمرکز ویژه‌ای بر حفظ حریم خصوصی کاربران دارند و اطلاعات تراکنش‌ها را مخفی می‌کنند (هیلمولای^{۱۵}، ۲۰۲۱).

کشورهای مختلف با توجه به شناخت و تعریف خود از این پدیده به تنظیم‌گری و وضع قوانین می‌پردازند. بدیهی است که رمز ارزها ممکن است از دیدگاه‌های گوناگون، تعاریف مختلفی داشته باشند. در این نوشتار آنچه مدنظر است تعریف رمزارزها با توجه به اهداف مالیاتی است. در جدول ۱، تعاریف رمزارزها برای اهداف مالیاتی با توجه به دیدگاه‌های کشورهای مختلف گردآوری شده است:

جدول ۱. تعاریف رمزارزها در کشورهای مختلف با توجه به اهداف مالیاتی

پول رایج	ابزار یا دارایی مالی	کالا یا کالای مجازی	دارایی‌های نامشهود به غیر از سرقفلی	رویکرد
ایتالیا، بلژیک، ساحل عاج، لهستان	اتریش، اندونزی، چین، کانادا	اسلواکی، آرژانتین، آفریقای جنوبی، دانمارک، ژاپن، برزیل	اسپانیا، استرالیا، انگلیس، سوئیس، شیلی، نیجریه، لوکزامبورگ، فرانسه	کشور

۱-۲. ویژگی‌های برجسته ارزهای دیجیتال

طی سال‌های اخیر، رمزارزها از بیت‌کوین گرفته تا اتریوم، به‌عنوان یک کلاس دارایی نوظهور، توجه بسیاری از سرمایه‌گذاران را به خود جلب کرده‌اند. این دارایی‌های دیجیتال مبتنی بر بستر فناوری بلاکچین، ویژگی‌های منحصر به فردی دارند که آن‌ها را از سیستم‌های مالی سنتی (سهام، اوراق قرضه و طلا) متمایز می‌کند. در این بخش ویژگی‌های ارزهای دیجیتال در مقایسه با سیستم‌های پولی سنتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

⁸ Security Tokens

⁹ Momtaz

¹⁰ Stablecoins

¹¹ Fiedler and Ante

¹² Privacy Coins

¹³ Monero

¹⁴ Zcash

¹⁵ Hilmola

۱-۲-۱. غیر متمرکز بودن^{۱۶}

یکی از ویژگی‌های اساسی رمزارزها، ساختار غیرمتمرکز آنهاست که مبتنی بر فناوری بلاک‌چین عمل می‌کند. برخلاف نظام‌های مالی سنتی که تحت کنترل نهادهای مرکزی مانند بانک‌های مرکزی هستند، رمزارزها امکان انجام مستقیم معاملات هم‌تا به هم‌تا بدون نیاز به واسطه‌های مالی را فراهم می‌کنند و از این جهت با استقلال و شفافیت بیشتری همراه‌اند. (لیو و وو^{۱۷}، ۲۰۲۴).

۱-۲-۲. شمول مالی^{۱۸}

ارزهای دیجیتال با فراهم کردن دسترسی آسان به خدمات مالی از طریق اینترنت و گوشی‌های هوشمند، می‌توانند نقش مؤثری در ارتقاء شمول مالی ایفا کنند؛ به‌ویژه برای افرادی که از سیستم‌های بانکی سنتی محروم‌اند. این فناوری امکان انجام تراکنش‌ها و مدیریت دارایی‌ها بدون نیاز به واسطه‌های بانکی را فراهم کرده و می‌تواند با توانمندسازی جوامع حاشیه‌نشین و تسهیل مشارکت در بازارهای جهانی، به رشد اقتصادی کمک کند. طبق گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۲۱، حدود ۱.۴ میلیارد نفر در جهان به خدمات بانکی دسترسی نداشتند و رمزارزها می‌توانند این شکاف را تنها با یک گوشی هوشمند و کیف پول دیجیتال پر کنند.

۱-۲-۳. ناشناسی^{۱۹}

ناشناسی (Anonymity) یکی از ویژگی‌های مهم رمزارزهاست که گاه با سوءتفاهم همراه می‌شود. با اینکه تمامی تراکنش‌ها روی بلاک‌چین ثبت و برای عموم قابل مشاهده‌اند، هویت واقعی کاربران مستقیماً فاش نمی‌شود؛ زیرا شناسایی افراد از طریق آدرس‌های رمزنگاری شده کیف پول انجام می‌گیرد، نه نام یا اطلاعات شخصی آن‌ها. این ویژگی نوعی Pseudonymity یا استفاده از نام مستعار ایجاد می‌کند، که برخلاف سیستم‌های مالی سنتی، هویت افراد را در پشت آدرس‌های دیجیتالی پنهان نگه می‌دارد. (وانگ و همکاران^{۲۰}، ۲۰۲۲).

۱-۲-۴. شفافیت^{۲۱}

شفافیت یکی از ویژگی‌های کلیدی فناوری بلاک‌چین است؛ زیرا تمامی تراکنش‌ها به‌صورت عمومی و دائمی در دفتر کل ثبت می‌شوند و هرگونه تغییر در آن نیازمند توافق اکثریت شبکه است، که عملاً امکان تقلب یا دستکاری را از بین می‌برد و موجب افزایش اعتماد کاربران به سیستم بدون نیاز به مرجع مرکزی می‌شود. (بارانوال و همکاران^{۲۲}، ۲۰۲۳).

¹⁶ Decentralization

¹⁷ Liu and Wu

¹⁸ Financial Inclusion

¹⁹ Anonymity

²⁰ Wang et al

²¹ Transparency

²² Baranwal et al

۲. مالیات بر رمز ارزها

رویکرد کشورها و نظام‌های حقوقی نسبت به رمزدارایی‌ها بسیار متنوع است. برخی دولت‌ها این دارایی‌ها را ممنوع اعلام کرده‌اند، در حالی که برخی دیگر آن را به‌طور کامل قانونی می‌دانند. اگرچه کشورهای پذیرنده در اقلیت‌اند، اما اکثریت کشورها تلاش می‌کنند از طریق تنظیم‌گری قانونی، ضمن بهره‌گیری از مزایای رمزدارایی‌ها، مخاطرات آن را نیز مهار کنند. در این میان، مالیات به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی تنظیم‌گری، نقش مهمی در سیاست‌گذاری کشورها ایفا می‌کند. کشورها در برداشت مالیاتی از رمز ارزها از چند روش کلیدی استفاده می‌کنند:

۱. مالیات بر درآمد^{۲۳}: درآمدهای کسب‌شده از رمز ارز (مانند استخراج، حقوق به‌صورت رمز ارز، یا سود واریزی از استیکینگ^{۲۴}) عموماً مشمول مالیات بر درآمد عادی می‌شوند (اداره مالیات استرالیا^{۲۵}، ۲۰۲۴).

۲. مالیات بر سود سرمایه^{۲۶}: یکی از رایج‌ترین رویکردها در مالیات‌ستانی از رمز ارزها، تلقی آن‌ها به‌عنوان «دارایی سرمایه‌ای» و اعمال مالیات بر سود حاصل از فروش یا مبادله آن‌هاست. در این رویکرد، زمانی که دارنده رمز ارز اقدام به فروش، تبدیل یا استفاده از آن برای پرداخت کالا یا خدمات می‌کند، مابه‌التفاوت بین قیمت خرید (cost basis) و قیمت فروش یا استفاده، به‌عنوان «سود سرمایه» در نظر گرفته شده و مشمول مالیات می‌شود (صندوق بین‌المللی پول^{۲۷}، ۲۰۲۳).

مالیات بر ارزش افزوده^{۲۸}: مالیات بر ارزش افزوده در مبادلات رمز ارز، بسته به تعریف قانونی آن در هر کشور متفاوت است؛ چنانچه رمز ارز به‌عنوان دارایی یا کالا تلقی شود، مشمول VAT خواهد بود، اما اگر مشابه ارز خارجی در نظر گرفته شود، اغلب از این مالیات معاف می‌شود تا از بار مالیاتی مضاعف جلوگیری شود. جایگاه رمز ارز در نظام مالیاتی VAT تابعی از نوع تعریف آن در قوانین مالیاتی ملی است. هر چه رمز ارز به «ارز» نزدیک‌تر تلقی شود، معافیت آن از VAT منطقی‌تر جلوه می‌کند؛ و هر چه بیشتر به «دارایی» یا «کالا» شبیه باشد، مشمول مالیات بیشتری خواهد بود. در شکل ۱ نمونه‌ای از زنجیره رویدادهای مشمول مالیات بر رمز ارزها نشان داده شده است. این نمودار ضمن تشریح رویدادهای مشمول مالیات در نتیجه گردش رمز ارز (که در اینجا بیت‌کوین در نظر گرفته شده است) سیاستگذاری مالیاتی و چالش‌های اداری خاص آن را مورد تاکید قرار می‌دهد.

ارسال کننده از طریق ماینرها هدمتی را در ازای بیت‌کوین از دریافت‌کننده خریداری می‌کند. دریافت‌کننده بیت‌کوین می‌تواند به صلاحدید خود بیت‌کوین را مبادله نموده یا خدمتی را با استفاده از آن خریداری کند. علامت

²³ Income Tax

²⁴ Staking

(استیکینگ به معنای نگهداری یا مسدود کردن ارزهای دیجیتال در یک کیف پول یا پلتفرم خاص برای مدتی معین است. این فرایند به دلایل مختلفی از جمله تامین امنیت شبکه، تامین نقدینگی و اعتبارسنجی سریع تر تراکنش‌ها انجام می‌شود.)

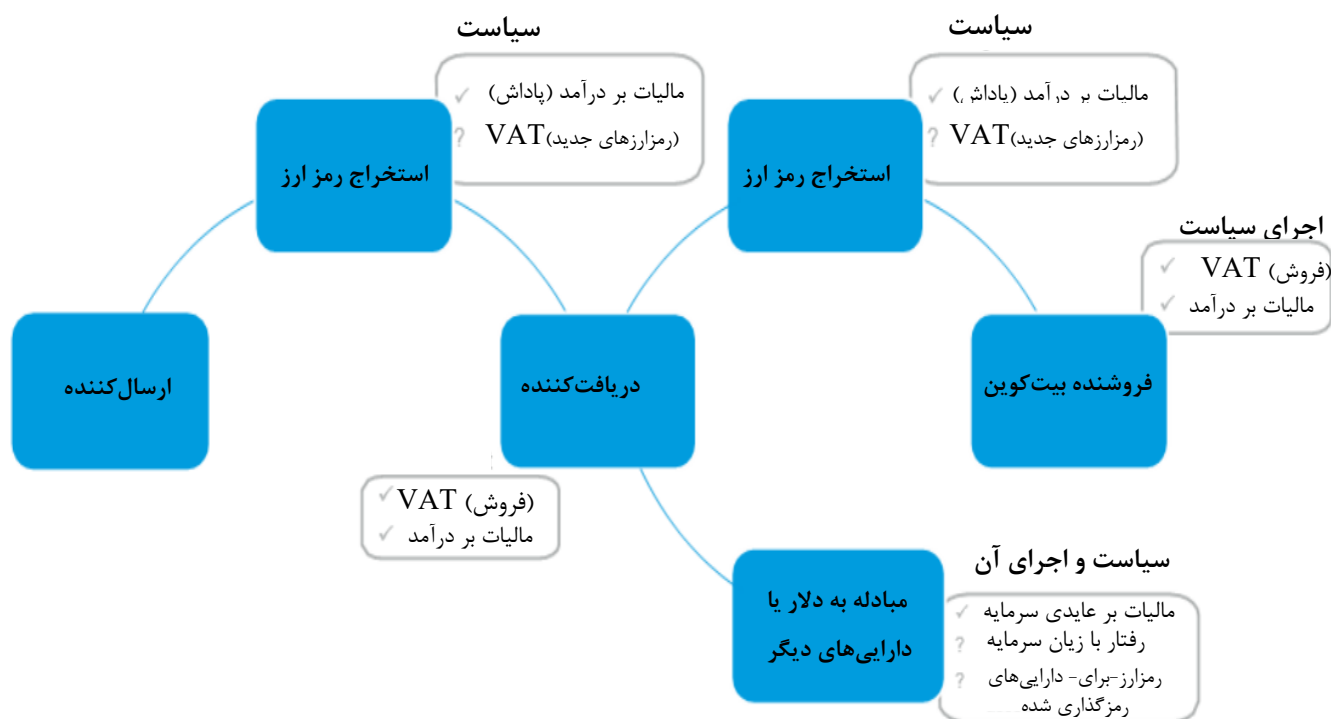
²⁵ Australian Taxation Office

²⁶ Capital Gains Tax

²⁷ International Monetary Fund (IMF)

²⁸ Value added tax

«؟» نشان دهنده نیاز ویژه برای روشننگری سیاستی یا قانونی است. در اینجا به صراحت مشخص نشده است که این معاملات می تواند مستقیم و بدون واسطه باشند یا امکان مبادله آن از طریق صرافی های غیرمتمرکز یا متمرکز نیز امکان پذیر است که در این صورت تاثیری بر رفتار سیاست مالیاتی ندارد. اما توانایی اجرای مالیات را تحت تاثیر قرار می دهد (معاملات مستقیم دشوار است و نهایتا با معاملات غیر متمرکز دنبال می شود).



شکل ۱. نمونه ای از زنجیره رویدادهای مشمول مالیات بر رمزارزها

منبع: صندوق بین المللی پول، ۲۰۲۳

چارچوب گزارش دهی دارایی های رمزارزی (CARF)^{۲۹} که توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) توسعه یافته است، به منظور مقابله با فرار مالیاتی در بازارهای رمزارزی و افزایش شفافیت مالیاتی جهانی طراحی شده است. این چارچوب، ارائه دهندگان خدمات دارایی های رمزارزی (CASF) را ملزم می کند تا اطلاعاتی مانند محل اقامت مالیاتی و شماره شناسایی مالیاتی کاربران را جمع آوری و به مقامات مالیاتی گزارش دهند. سپس این اطلاعات به صورت خودکار بین کشورها تبادل می شود تا از تطابق مالیاتی اطمینان حاصل شود. تا نوامبر ۲۰۲۳، بیش از ۴۸ کشور از جمله ایالات متحده، بریتانیا، آلمان، فرانسه، ژاپن، استرالیا، سنگاپور و کره جنوبی تعهد خود را برای اجرای CARF تا سال ۲۰۲۷ اعلام کرده اند. این کشورها در بیانیه ای مشترک تأکید کردند که اجرای

²⁹ Crypto-Asset Reporting Framework (CARF)



گسترده و هماهنگ CARF نقش مهمی در افزایش تطابق مالیاتی و مقابله با فرار مالیاتی ایفا خواهد کرد. اگرچه اجرای کامل CARF هنوز آغاز نشده است، اما پیش‌بینی می‌شود که با شروع تبادل اطلاعات در سال ۲۰۲۷، تأثیرات مثبتی بر شفافیت مالیاتی جهانی داشته باشد. برخی کارشناسان معتقدند که CARF می‌تواند به کاهش فرار مالیاتی در حوزه رمزارزها کمک کند، اما موفقیت نهایی آن بستگی به اجرای مؤثر و هماهنگ در سطح جهانی دارد.

۳. تجربه کشورهای پیشرو در مالیات رمزارزها

این بخش با هدف تحلیل تطبیقی، به بررسی رویه‌های مالیاتی در کشورهای شاخص می‌پردازد تا از خلال مرور تجارب عملی، بستری برای تدوین سیاست‌های دقیق، منطبق با واقعیت‌های اقتصادی و فنی رمزارزها فراهم آید.

۳-۱. ایالات متحده آمریکا

در ایالات متحده، تنظیم‌گری فعالیت‌های مرتبط با ارزهای دیجیتال تحت نظارت نهادهای فدرال مختلفی انجام می‌شود که هر یک نقش خاصی در این چارچوب ایفا می‌کنند. از جمله این نهادها می‌توان به وزارت خزانه‌داری (U.S. Department of the Treasury)، کمیسیون بورس و اوراق بهادار (SEC)، شبکه مبارزه با جرائم مالی (FinCEN) و سازمان خدمات درآمد داخلی (IRS) اشاره کرد. در این میان، IRS به‌طور خاص مسئولیت تدوین و اجرای سیاست‌های مالیاتی مرتبط با رمزارزها را بر عهده دارد.

بر اساس موضع رسمی IRS، این ارزها برای اهداف مالیاتی به‌عنوان «دارایی» محسوب می‌شوند. این تصمیم به معنای آن است که ارز دیجیتال مانند سهام مشمول مالیات است نه به‌عنوان ارز خارجی که می‌تواند موجب سود یا زیان ارزی شود. نخستین چارچوب رسمی IRS در این حوزه به سال ۲۰۱۴ بازمی‌گردد؛ زمانی که این نهاد از طریق صدور یک اطلاعیه، نحوه اعمال مالیات بر درآمدهای ناشی از ارزهای مجازی را تبیین کرد. این دستورالعمل در سال‌های بعد، به‌ویژه با پیچیده‌تر شدن فضای تکنولوژیک رمزارزها، با اصلاحات و الحاقات متعددی همراه شده است.

یکی از موارد مهم و بحث‌برانگیز در این حوزه، رویدادهای هارد فورک (Hard Fork) است که منجر به شکل‌گیری دارایی دیجیتال جدید بر بستر یک زنجیره بلاک‌چینی جداگانه می‌شود. از منظر مالیاتی، دارایی جدید به‌دست‌آمده در چنین رویدادهایی به‌عنوان درآمد مشمول مالیات تلقی می‌شود و باید در زمان دریافت، بر اساس ارزش بازار گزارش گردد. همچنین، نوسانات شدید قیمتی رمزارزها، خصوصاً بیت‌کوین، موجب بروز چالش‌های متعددی در ارزیابی و گزارش‌گری مالیاتی شده است و در بسیاری موارد، موجب بروز اختلاف میان مؤدیان و نهاد مالیاتی گردیده است.

مطابق با دستورالعمل‌های به‌روز IRS، رویدادهای زیر به‌عنوان وقایع مشمول مالیات شناخته می‌شوند:

فروش رمزارز در ازای ارز فیات؛

مبادله رمزارز با کالا، خدمات یا دارایی‌های مشهود؛



تبدیل یک نوع دارایی دیجیتال به نوع دیگر؛

دریافت رمزارز به عنوان مزد یا پاداش برای ارائه خدمات؛

دریافت رمزارز ناشی از هارد فورک یا ایردراپ (Airdrop)؛

کسب رمزارز از طریق استخراج (Mining) یا استیکینگ (Staking)؛

واگذاری هرگونه دارایی دیجیتال که منجر به تحقق سود یا زیان گردد. با توجه به پیچیدگی‌های روزافزون فناوری‌های بلاک‌چینی و ابزارهای مالی نوظهور، انتظار می‌رود که دستورالعمل‌های مالیاتی در این حوزه نیز به‌طور پیوسته بازنگری شده و با هدف افزایش شفافیت، انطباق‌پذیری و جلوگیری از فرار مالیاتی، توسعه یابند (دیوید، ۲۰۲۴).

۳-۲. انگلستان

بریتانیا به سرعت مزایای ارزهای دیجیتال را شناسایی کرده و در کنار آن، خطرات ناشی از استفاده غیرمسئولانه از آن‌ها را نیز در نظر گرفته است. نهاد اصلی نظارتی بر ارزهای دیجیتال، سازمان رفتار مالی (FCA) است در کنار سازمان تنظیم مقررات احتیاطی (PRA) مسئول نظارت بر فعالیت‌های مالی و قانونی است. FCA وظیفه نظارت بر ارائه‌دهندگان خدمات ارز دیجیتال را دارد و اطمینان می‌یابد که این نهادها از دستورالعمل‌های ضد پولشویی و مبارزه با تروریسم پیروی کنند.

در بریتانیا، شرکت‌های فعال در زمینه ارز دیجیتال باید در FCA ثبت‌نام کنند و همچنین سود حاصل از تراکنش‌های رمزارز باید تحت چارچوب مالیات شرکتی گزارش شود. هرگونه فروش یا مبادله رمزارز با ارز فیات یا دارایی‌های دیگر مشمول مالیات بر سود سرمایه (CGT) می‌شود.

همچنین، مالکان ارز دیجیتال باید سابقه تمامی تراکنش‌های خود را نگهداری کنند. اداره درآمد و گمرک ملکه (HMRC)³⁰ دستورالعمل‌هایی برای مالیات بر ارزهای دیجیتال، شامل مالیات بر سود سرمایه و درآمد حاصل از استخراج و تجارت رمزارزها منتشر کرده است. بر اساس اطلاعیه HMRC، مالیات‌گذاری برای افراد و شرکت‌ها متفاوت است. برای شرکت‌ها چون ارزهای دیجیتال به عنوان ارز واقعی شناخته نمی‌شوند، مالیات شرکتی بر مبادلات آن‌ها اعمال نخواهد شد. با این حال سود حاصل از عملیات تجاری مرتبط با توکن‌های مبادله‌ای به عنوان بخشی از درآمد مشمول مالیات تجاری محسوب می‌شود. خدمات ارائه شده توسط صرافی‌های ارز دیجیتال مشمول مالیات بر ارزش افزوده (VAT) نخواهند بود، زیرا این خدمات به عنوان فعالیت اقتصادی در نظر گرفته نمی‌شوند و عملیات استخراج نیز مشتری مستقیم ندارد.

برای افراد، دو حالت مالیات بر سود یا عایدی‌های مربوط به ارزهای دیجیتال پیش بینی شده است: سودهای تجاری مشمول مالیات بر درآمد و عایدی سرمایه مشمول مالیات بر عایدی سرمایه (CGT) خواهد بود. با این حال، دستورالعمل HMRC مبتنی بر قوانین مالیاتی موجود است که برای دارایی‌های دیجیتال طراحی نشده‌اند.

³⁰ David

³¹ Her Majesty's Revenue & Customs (HMRC)

بنابراین، قوانین مالیاتی ممکن است با آزمون‌های حقوقی مرتبط با داراییهای دیجیتال در دادگاهها تغییر کنند. در نهایت، فضای قانونی و مالی بریتانیا برای انجام فعالیت‌های ارز دیجیتال مناسب است، اما کسب‌وکارها باید به‌طور دقیق با قوانین انطباق داشته باشند.

۳-۳. استرالیا

در نظام مالیاتی استرالیا، دارایی‌های دیجیتال نظیر بیت‌کوین و سایر رمزارزها به‌طور رسمی تحت عنوان «دارایی سرمایه‌ای (Capital Asset)» طبقه‌بندی شده‌اند. بدین ترتیب، هرگونه نقل‌وانتقال، واگذاری، یا استفاده از رمزارزها می‌تواند منجر به رویداد مالیاتی شود، مشروط به آن‌که سود یا زیانی محقق گردد.

افرادی که از رمزارزها صرفاً برای مصرف شخصی استفاده می‌کنند (مانند پرداخت برای کالا یا خدمات در زندگی روزمره) در صورت رعایت آستانه‌های مشخص ارزش معامله، مشمول مالیات بر درآمد یا مالیات بر کالاها و خدمات^{۳۲} نخواهند بود. این در حالی است که چنانچه رمزارزها برای اهداف تجاری، سرمایه‌گذاری یا سفته‌بازی نگهداری شده باشند، در هنگام واگذاری آن‌ها، مالیات بر سود سرمایه‌ای^{۳۳} به‌طور متناسب و بر اساس مدت زمان نگهداری و ارزش کسب‌شده، محاسبه و اعمال می‌شود. در مورد فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با رمزارزها، از جمله استخراج، مبادله، تأمین نقدینگی یا ارائه خدمات پرداخت رمزارزی، مالیات بر درآمد شرکت‌ها یا افراد و در بسیاری موارد، GST نیز اعمال خواهد شد. کسب‌وکارهایی که رمزارز دریافت می‌کنند موظف‌اند ارزش رمزارز دریافتی را در قالب دلار استرالیا شناسایی و در صورت‌های مالی منظور کنند. همچنین، ارائه‌دهندگان خدمات رمزارزی در تعامل با مشتریان نهایی، مشمول دریافت و پرداخت GST هستند. سیاست‌گذار مالی در استرالیا، به‌ویژه دفتر مالیات استرالیا موضعی دقیق، داده‌محور و احتیاط‌آمیز در قبال دارایی‌های دیجیتال اتخاذ کرده است. به‌طور خاص، در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای تدوین یک چارچوب قانونی جامع برای دارایی‌های دیجیتال در جریان بوده است. از جمله این تلاش‌ها می‌توان به لایحه دارایی‌ها و محصولات دیجیتال (Digital Assets and Services Bill) اشاره کرد که در پارلمان مطرح شده و هدف آن، تنظیم فعالیت پلتفرم‌های مبادله، کاستودیان‌های رمزارزی و صادرکنندگان استیبل‌کوین است. با توجه به روند فزاینده پذیرش دارایی‌های دیجیتال و تقاطع آن‌ها با اقتصاد واقعی، انتظار می‌رود که استرالیا در آینده نزدیک، شاهد پیاده‌سازی چارچوب‌های نظارتی فراگیر، انطباق‌پذیر و شفاف برای تنظیم اکوسیستم رمزارزها و هم‌راستا ساختن آن با سیاست‌های کلان اقتصادی و مالیاتی خود باشد (سینگ و شوکلا^{۳۴}، ۲۰۲۲).

³² Goods and Services Tax - GST

³³ Capital Gains Tax - CGT

³⁴ Singh and Shukla

۳-۴. آلمان

آلمان یکی از پیشروترین کشورها در حمایت قانونی و مالیاتی از رمزارزها به‌شمار می‌رود. وزارت دارایی آلمان، بیت‌کوین را به‌عنوان «واحد حساب»^{۳۵} به رسمیت شناخته است که به معنای قابلیت استفاده آن در نظام مالی این کشور است.

سازمان نظارت مالی فدرال آلمان (BaFin)^{۳۶} رهنمودهایی صادر کرده است که در آن بیت‌کوین به‌عنوان یک ابزار مالی تعریف شده و به همین دلیل نگهدارندگان ارزهای دیجیتال به‌عنوان موسسات مالی شناخته می‌شوند. بر اساس دستورالعمل صادرشده توسط سازمان ناظر مالی آلمان بیت‌کوین به‌عنوان یک «بازار مالی» طبقه‌بندی شده و نگهداری آن، به‌ویژه در قالب خدمات واسطه‌ای، ممکن است مصداق فعالیت نهاد مالی تلقی شود.

در ادامه این رویکرد، دولت آلمان با استناد به رأی سال ۲۰۱۵ دادگاه عدالت اتحادیه اروپا که معاملات رمزارزی را از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده (VAT) معاف می‌دانست، خرید و فروش بیت‌کوین و سایر ارزهای دیجیتال را نیز از این مالیات معاف اعلام کرد. در سال ۲۰۱۸، وزارت دارایی آلمان دستورالعملی در خصوص مالیات بر ارزش افزوده مرتبط با بیت‌کوین صادر کرد که بر اساس آن، تبدیل ارزهای سنتی به رمزارز (و بالعکس) با وجود آنکه به‌عنوان «تأمین خدمات» تلقی می‌شود، از شمول VAT معاف خواهد بود.

این کشور از منظر مالیات بر درآمد، میان استفاده کوتاه‌مدت و بلندمدت از رمزارز تفاوت قائل می‌شود. در صورتی که رمزارزها بیش از یک سال نگهداری شوند، سود ناشی از فروش آن‌ها مشمول مالیات بر عایدی سرمایه نیست و معاف خواهد بود. اما اگر فروش در کمتر از ۱۲ ماه از زمان خرید انجام گیرد، سود آن مشمول مالیات بر درآمد خواهد بود. این موضوع اخیراً با تأیید صریح دادگاه مالی فدرال آلمان تثبیت شد که در حکمی اعلام کرد رمزارزها دارایی مالی محسوب می‌شوند و سود حاصل از فروش آن‌ها مشمول مالیات است (سینگ و شوکلا، ۲۰۲۲).

۳-۵. ژاپن

ژاپن یکی از پیشگامان تنظیم‌گری در حوزه دارایی‌های دیجیتال است و رویکردی ساختارمند و نسبتاً سخت‌گیرانه نسبت به مالیات‌گذاری بر رمزارزها اتخاذ کرده است. این کشور، نخستین دولت در جهان بود که بیت‌کوین را به‌صورت رسمی به‌عنوان ابزار پرداخت قانونی دیجیتال به رسمیت شناخت. در چارچوب قوانین مالیاتی ژاپن، «آژانس ملی مالیات»^{۳۷} کلیه سودهای حاصل از فروش، مبادله یا استفاده از رمزارزها را تحت عنوان «درآمد متفرقه»^{۳۸} طبقه‌بندی می‌کند. در این نظام، مالیات‌دهندگان نمی‌توانند زیان‌های ناشی از فعالیت‌های رمزارزی را برای تهاتر با سودهای حاصل از سایر منابع درآمدی استفاده کنند، امری که عملاً انعطاف‌پذیری مالیاتی را برای

³⁵ Unit of account

³⁶ Federal financial supervisory Authority – به انگلیسی

³⁷ National Tax Agency (NTA)

³⁸ Miscellaneous Income

درآمد متفرقه به درآمدی اطلاق می‌شود که شامل عایدی بهره، درآمد سود سهام، درآمد مستغلات، درآمد کسب‌وکار، درآمد حقوق، درآمد بازنشستگی، درآمد جنگلداری، سود سرمایه و درآمد موقت نمی‌شود.

سرمایه‌گذاران کاهش می‌دهد. همچنین فعالیت‌هایی نظیر معامله رمزارز، استخراج، وام‌دهی رمزارزی و سایر اشکال کسب درآمد از دارایی‌های دیجیتال، همگی در زمره درآمد متفرقه قرار می‌گیرند و مشمول نرخ‌های مالیاتی تصاعدی می‌شوند که می‌توانند تا سقف ۵۵ درصد نیز افزایش یابند. علاوه بر آن، دارایی‌های دیجیتال در زمان فوت مالک نیز مشمول مالیات بر ارث قرار می‌گیرند و وارثان موظفانند ارزش رمزارزهای متعلق به متوفی را در اظهارنامه مالیاتی خود ثبت کنند. این ساختار مالیاتی نسبتاً جامع، اگرچه از منظر شفافیت قابل تحسین است، اما به عقیده بسیاری از فعالان حوزه، مانعی برای رشد سرمایه‌گذاری در بازار رمزارزها در ژاپن محسوب می‌شود (سینگ و شوکلا، ۲۰۲۲).

جمع‌بندی:

بر اساس مطالب بیان شده، کشورهای موفق در مالیات‌ستانی از رمزارزها ترکیبی از موارد جدول ۲ را رعایت کرده‌اند که به شرح زیر است:

جدول ۱. سیاست‌های مالیاتی رمز ارز در کشورهای مورد بررسی

معیار/کشور	آلمان	ایالات متحده آمریکا	انگلستان	استرالیا	ژاپن
طبقه‌بندی رمزارز	دارایی شخصی ^{۳۹}	در نظر گرفتن رمز ارزها به‌عنوان دارایی؛ امکان اخذ مالیات بر عایدی سرمایه و مالیات بردرآمد	دارایی سرمایه‌ای از دید اغراض مالیاتی	دارایی سرمایه‌ای	دارایی مشمول درآمد متفرقه
نوع مالیات اصلی	مالیات بر سود سرمایه	مالیات بر سود سرمایه، با الزام به گزارش‌گیری هر تراکنش؛ همچنین مالیات بر درآمد	مالیات بر سود سرمایه برای سرمایه‌گذاران و مالیات بر درآمد برای معامله‌گران حرفه‌ای	مالیات بر سود سرمایه برای استفاده شخصی، مالیات بر درآمد برای فعالیت مستمر یا استخراج حرفه‌ای	مالیات بر درآمد
معافیت‌های خاص	۱. نگهداری رمزارزها به‌صورت بلندمدت و سپس مصرف آن ۲. سودهای کمتر از ۶۰۰ یورو در کوتاه مدت ۳. درآمد اضافی کمتر از ۲۵۶ یورو در طول سال مالی ۴. انتقال رمزارزها بین کیف پول‌های فرد ۵. هدیه دادن رمز ارز با ارزش کمتر از ۲۰ هزار یورو برای دوستان و آشنایان و کمتر از ۵۰۰ هزار یورو برای همسر ۶. اهدا به خیریه ۷. رمز ارزهای حاصل از انشعال سخت در زمان دریافت	۱. خرید رمزارز با ارز قیات ۲. نگهداری طولانی مدت رمز ارزها ۳. انتقال رمز ارزها بین کیف پول‌های فرد ۴. هدیه دادن (ارزش کمتر از ۱۶ هزار دلار) ۵. اهدا به خیریه ۶. ساخت توکن غیر مثلی (NFT) - البته بستگی به قصد اقتصادی دارد؛ در صورت فروش مشمول است.	۱. خرید رمز ارز با پوند انگلستان. ۲. نگهداری بلندمدت رمزارزها ۳. انتقال رمز ارز بین کیف پول‌های مختلف ۴. اهدای رمزارزها به خیریه‌ها ۵. هدیه دادن رمزارز به همسر ۶. معافیت مالیات بر عایدی سرمایه برای سودهای کمتر از ۱۲/۳۰۰ پوند در یک سال مالی ۷. معافیت مالیات بر درآمد برای درآمدهای کمتر از ۱۲/۵۷۰ پوند در سال	۱. استفاده شخصی؛ معافیت تا ۱۰ هزار دلار ۲. انتقال رمز ارزها بین کیف پول‌های فرد	محدود؛ در صورتی که عایدی حاصل از سرمایه‌گذاری در رمزارزها کمتر از ۲۰۰ هزار یین باشد، نیازی به ثبت این مقدار در اظهارنامه مالیاتی سالانه نیست.
نظارت و رصد معاملات	اداره فدرال مالیات آلمان با تکیه بر دستورالعمل ششم مبارزه با پولشویی اتحادیه اروپا (AMLD6)، به داده‌های تراکنش‌های رمزارزی در	- تمام صرافی‌های اصلی موظف به احراز هویت مشتریان خود هستند. - صرافی‌ها باید اطلاعات مربوط به حساب‌های بانکی که در	تمامی صرافی‌های فعال در انگلستان می‌بایست اطلاعات مشتریان خود با اداره درآمد و گمرکات این کشور به اشتراک بگذارند. به این ترتیب، دولت	برنامه تطبیق داده‌ها از سوی اداره مالیات استرالیا (ATO) به صرافی‌ها و کیف پول‌های رمزارز الزام می‌کند تا اطلاعات تراکنش‌ها و کاربران را با این	در صورت داشتن حساب در یکی از صرافی‌های ژاپنی، انجمن ملی مالیاتی ژاپن به اطلاعات مشتریان دسترسی دارند، چراکه ارائه‌دهندگان خدمات رمز ارزها

^{۳۹} در نظر گرفتن رمز ارزها به‌عنوان دارایی شخصی؛ بدان معنا که مالیات بردرآمد فردی موضوعیت بیشتری نسبت به مالیات بر عایدی سرمایه دارد.

ملزوم به رعایت الزامات افشای اطلاعات و امنیت سایبری مطابق مقررات مبارزه با پول شویی هستند.	نهاد به طور منظم به اشتراک بگذارند. هدف این برنامه افزایش شفافیت مالیاتی، مقابله با فرار مالیاتی و تطابق داده‌ها با گزارش‌های مالیاتی کاربران است. ATO از این داده‌ها برای شناسایی هرگونه عدم تطابق یا تلاش‌های فرار مالیاتی استفاده می‌کند.	بریتانیا از اطلاعات تراکنش‌های مربوط به رمزارزها، حتی پیش از سال ۲۰۱۴، برخوردار است.	فرآیند تبادل ارزهای فیات با رمز ارزها فعال هستند را به IRS گزارش دهند. - اطلاعات مربوط به کیفیت پول‌های حضانتی باید به طور کامل ضبط و ذخیره شود. - صرافی‌ها ملزم به ارسال فرم‌های اظهارنامه مالیاتی از طرف IRS برای مشتریان خود هستند. - در صورت تخلف، IRS با صرافی‌ها برخورد کرده و آنها را به افشای اطلاعات مشتریان خود موظف خواهد ساخت.	صرافی‌های تحت نظارت اتحادیه دسترسی دارد. ارائه‌دهندگان خدمات رمزارزی ملزم به رعایت قوانین سخت‌گیرانه احراز هویت و ثبت معاملات هستند. داده‌های جمع‌آوری شده برای مقابله با پولشویی و شفاف‌سازی مالیاتی در اختیار کشورهای عضو قرار می‌گیرد.	
جرای CRS و سازگاری تدریجی با چارچوب CARF تا ۲۰۲۷.	متعهد به اجرای CRS؛ اعلام آمادگی برای پیاده‌سازی چارچوب CARF.	اجرای الزامی CARF/CRS از سال ۲۰۲۶ به بعد.	جزو مشارکت‌کنندگان در اجرای CARF و گزارش‌دهی جهانی طبق توافق‌نامه FATCA ^{۴۰} و CRS ^{۴۱} .	تطابق با CARF از سال ۲۰۲۷ و FATF و CRS با Travel Rule.	تطابق با CARF/CRS FATF و
متوسط، با نبود دستورالعمل جامع و پراکندگی منابع رسمی.	بالا، با راهنمای روشن از ATO و در دسترس بودن سامانه‌های مشاوره مالیاتی رمزارز.	بالا، با راهنمای رسمی HMRC و تفکیک دقیق میان سرمایه‌گذاری، معامله‌گری و استخراج.	نسبتاً پیچیده، با نارسایی در یکپارچگی مقررات ایالتی و فدرال؛ تکیه زیاد بر تفسیر فردی.	شفاف، با انتشار دستورالعمل رسمی در سال ۲۰۲۲ توسط BMF و تفکیک واضح کاربردهای رمزارز.	شفافیت حقوقی و دستورالعمل‌ها

بر اساس آنچه بیان شد؛ تجربه این کشورها نشان می‌دهد که شفافیت حقوقی در طبقه‌بندی و کارکردهای رمزارزها، به همراه ادغام مؤثر فناوری در نظام مالیاتی و پایبندی به الزامات گزارش‌گری بین‌المللی، پایه‌های اصلی برای تحقق یک نظام مالیاتی موفق، منصفانه و قابل اجرا در حوزه دارایی‌های دیجیتال به‌شمار می‌روند؛ الگویی که برای کشورهای چون ایران نیز، قابل اقتباس و بومی‌سازی است.

۴. چالش‌های کلیدی در اجرای مالیات بر رمز ارزها

در این بخش به مهم‌ترین چالش‌های مربوط به مالیات‌ستانی در زمینه دارایی‌ها اشاره خواهد شد:

۴-۱. ارزش‌گذاری رمزارزها و مبنای آن

نوسانات شدید قیمت رمزارزها، یکی از چالش‌های اساسی در نظام مالیاتی دارایی‌های دیجیتال محسوب می‌شود. این نوسانات، که گاه در بازه‌های زمانی بسیار کوتاه رخ می‌دهد، فرآیند ارزش‌گذاری را برای محاسبه مالیات بر درآمد، عایدی سرمایه و دارایی دشوار می‌سازد. از سوی دیگر، اختلاف قیمت میان پلتفرم‌های معاملاتی و تعدد تراکنش‌ها، ثبت دقیق و منسجم سوابق مالیاتی را با مشکل مواجه کرده است. در برخی کشورها، برای کاهش بار

^{۴۰} FATCA قانون تبعیت مالیاتی حساب‌های خارجی (Foreign Account Tax Compliance Act) است که توسط ایالات متحده با هدف مبارزه با فرار مالیاتی شهروندان آمریکایی از طریق نگهداری سرمایه در حساب‌های بانکی خارجی در سال ۲۰۱۰ تصویب شد.

^{۴۱} CRS استاندارد گزارش‌دهی مشترک (Common Reporting Standard) است که توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) در سال ۲۰۱۴ تدوین شد. کشورها با امضای CRS متعهد می‌شوند اطلاعات حساب‌های مالی اتباع سایر کشورها را سالانه به کشور مبدأ صاحب حساب ارسال کنند.

اجرایی، اختیار تعیین ارزش رمزارز به خود مودیان داده شده است، مشروط بر ارائه مستندات معتبر. با اینکه این روش از نظر اداری مفید است، اما خطر افشای ناقص یا نادرست اطلاعات را به همراه دارد.

۴-۲. ناشناس بودن و عدم شفافیت تراکنش‌ها

رمزارزها ماهیتی بی‌نام و غیرمتمرکز دارند. دادو ستد در بازار رمز ارزها بدون دخالت موسسات مالی کلاسیک مانند بانک‌ها و بدون دخالت یک مقام مرکزی انجام می‌شود. این امر سازمان‌های مالیاتی را برای شناسایی درآمدها و اشخاص مشمول با چالش مواجه می‌کند.

۴-۳. فناوری‌های نو ظهور

فناوری رمز ارزها جدید و همچنان در حال تغییر است. این ابزارهای جدید دامنه و سازوکارهای معاملات رمزارز را گسترده‌تر می‌کنند. به عنوان نمونه، OECD در چارچوب CARF خود به‌طور صریح استیبل کوین‌ها و برخی NFTها را در تعریف «دارایی‌های رمزارز» گنجانده است. نبود قوانین روشن برای این نوآوری‌ها (مانند وام‌دهی خودکار یا نشر توکن‌های دیجیتال) باعث خلأ نظارتی، اتخاذ رفتارهای نابرابر با بخش رمزنگاری در بازارهای داخلی و ایجاد فرصت‌های فرار مالیاتی شده است.

۴-۴. مشکلات اجرایی و برون‌مرزی

به دلیل پیچیدگی‌های بنیادی، سرعت ابتکارات، شکاف‌های عمیق اطلاعاتی، بی‌ثباتی‌ها هنوز اقدامات چندانی برای ثبت مشاغل رمز ارزها در نظام‌های مالیاتی دنیا انجام نشده و در بین کشورها با توجه به قوانین داخلی، توافقی در مورد نحوه طبقه‌بندی رمزارزها حاصل نشده است. فقدان همساز سازی قوانین درونی و نبود ابزار بین‌المللی کافی برای ردگیری تراکنش‌های رمزارز، نظارت و اخذ مالیات را سخت می‌کند (OECD, ۲۰۲۰). رمزارزها و مبادله آن‌ها یک پدیده فراملیتی است از این رو تبادل اطلاعات مالیاتی بین کشورها و ایجاد یک چارچوب استاندارد برای اتخاذ رویه‌های یکپارچه مالیات‌ستانی ضروری است که این امر با توجه به حاکمیت قوانین کشوری چالش‌هایی را پدید می‌آورد.

۵. مسیر قانون‌گذاری و ورود حاکمیت به حوزه دارایی‌های دیجیتال در ایران

در این بخش به‌طور خلاصه مسیر قانون‌گذاری ارزهای دیجیتال در ایران ارائه شده است:

- مرداد ۱۳۹۸: اولین مصوبه دولت در رابطه با ارزهای دیجیتال
- آبان ۱۳۹۸: ابلاغ دستورالعمل دریافت مجوز استخراج ارزهای دیجیتال توسط وزارت صمت
- اسفند ۱۳۹۹: دستور شاپرک برای بستن درگاه پرداخت صرافی‌ها
- خرداد ۱۴۰۰: ممنوعیت موقت استخراج ارزهای دیجیتال با دستور دولت
- مرداد ۱۴۰۰: ادامه فعالیت درگاه پرداخت صرافی‌ها بدون اینماد

- شهریور ۱۴۰۰: ورود ارزهای دیجیتال به صحن علنی مجلس
 - اسفند ۱۴۰۰: برنامه‌ریزی برای ارزهای دیجیتال در سند تحول دولت سیزدهم
 - مرداد ۱۴۰۱: ثبت اولین واردات رسمی با ارزهای دیجیتال
 - شهریور ۱۴۰۱: مصوبه جدید دولت در رابطه با استخراج ارزهای دیجیتال
 - شهریور ۱۴۰۱: انتخاب وزارت اقتصاد به‌عنوان متولی ساماندهی ارزهای دیجیتال
 - دی ۱۴۰۱: کاهش سقف واریز و برداشت در صرافی‌های داخلی
 - اردیبهشت ۱۴۰۲: آغاز خود تنظیم‌گری صرافی‌های ارز دیجیتال و اخذ اینماد بدون ستاره
 - اردیبهشت ۱۴۰۲: طرح مجلس برای اخذ مالیات از معاملات ارزهای دیجیتال و رد توسط شورای نگهبان
 - تیر ۱۴۰۲: ابلاغ بخشنامه بانک مرکزی در خصوص کسر کارمزد از درگاه‌های پرداخت صرافی‌های ارز دیجیتال
 - مرداد ۱۴۰۲: اصلاح مصوبه استخراج شامل؛ بازگرداندن نقش نظارتی به وزارت صمت، حذف عوارض و مالیات برای استخراج کنندگان، تغییر مبنای محاسبه نرخ ارز به سامانه طلا و ارز
 - آذر ۱۴۰۲: اعطای اینماد به صرافی‌های ارز دیجیتال، تصویب طرح مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی، پیشنهاد مالیات بر عایدی سرمایه برای رمز پول‌ها، تعریف رسمی اصطلاح رمز پول، محول کردن مسئولیت نظارت به بانک مرکزی
 - اردیبهشت ۱۴۰۳: مخالفت با معافیت مالیاتی مبادلات ارزهای دیجیتال با تصمیم هیات عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام
 - خرداد ۱۴۰۳: اختصاص شعبه ویژه دادگاه برای دعاوی ارز دیجیتال، تشدید برخورد با استخراج غیرمجاز توسط شرکت توانیر
 - تیر ۱۴۰۳: راه‌اندازی فاز آزمایشی ریال دیجیتالی در جزیره کیش و آماده‌سازی برای استقرار سیستم پولی جدید
 - آذر ۱۴۰۳: تعیین مقررات مالیاتی و ضدپولشویی برای کارگزاران، ممنوعیت استفاده داخلی ارزهای دیجیتال به‌عنوان ابزار پرداخت (انجمن بلاکچین، ۱۴۰۳).
- به‌منظور تحلیل ابعاد حقوقی و قانونی مالیات‌ستانی از رمزارزها در ایران، موضوع را با طرح چند پرسش کلیدی مورد بررسی قرار می‌دهیم:
- پرسش اول: آیا از منظر قانونی، در ایران رمزارزها در دسته‌ای مشخص (اعم از دارایی، ارز، کالا یا سایر طبقات) تعریف شده‌اند؟**
- در پاسخ باید گفت؛ در حقوق ایران، تاکنون قانون مشخص و جامعی که به‌طور صریح رمزارزها را در یکی از طبقات سنتی دارایی‌ها مانند دارایی، ارز، کالا یا اوراق بهادار جای دهد، تصویب نشده است. با این حال، از منظر فقهی و حقوقی، می‌توان از مفهوم مال به‌عنوان مبنایی قابل اتکا برای تحلیل وضعیت رمزارزها استفاده کرد. در فقه و



حقوق ایران، مال به چیزی گفته می‌شود که دارای ارزش اقتصادی باشد، یعنی مردم در عرف برای آن ارزش قائل باشند و حاضر به پرداخت عوض در قبال آن باشند. همچنین مال باید قابلیت اختصاص و انتفاع مشروع داشته باشد. با این تعریف، بسیاری از دارایی‌های نوظهور از جمله رمزارزها، که در معاملات روزمره، سرمایه‌گذاری، پرداخت و نگهداری به‌عنوان ذخیره ارزش مورد استفاده قرار می‌گیرند، واجد وصف مال هستند.

افزون بر این مبنای عرفی و حقوقی، در قانون جدید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۴۰۲ به تصویب رسیده، برای نخستین بار مفهومی به نام رم‌پول وارد نظام قانونی کشور شده است. طبق بند ض ماده ۱ این قانون، رم‌پول نوعی پول رقمی رمزنگاری شده است که در بستر پایگاه داده اشتراکی به صورت متمرکز با محوریت بانک مرکزی یا غیرمتمرکز ایجاد شده و به صورت غیرمتمرکز مبادله می‌شود. هرچند تمرکز این ماده بر رم‌پول ملی است، اما تعریف آن به گونه‌ای تنظیم شده که رم‌زارزهای غیرمتمرکز مانند بیت‌کوین، اتریوم و سایر دارایی‌های دیجیتال را نیز در بر می‌گیرد. این گام مهم، اگرچه هنوز با خلأهایی مواجه است، اما نشان‌دهنده شناسایی ابتدایی مفهوم رم‌زارز در ساختار حقوقی کشور است.

با وجود نبود طبقه‌بندی قانونی صریح برای رم‌زارزها، اخذ مالیات از این حوزه می‌تواند از منظر حقوقی موضوعیت داشته باشد. قانون مالیات‌های مستقیم و قانون مالیات بر ارزش افزوده ایران، معیار اصلی برای شمول مالیات را تحقق درآمد یا سود ناشی از فعالیت اقتصادی می‌دانند، نه نوع خاصی از دارایی یا قالب سنتی آن. به بیان ساده‌تر، اگر شخصی از خرید و فروش رم‌زارزها سود ببرد، یا از استخراج آن‌ها درآمدی کسب کند، یا حتی رم‌زارز را در ازای ارائه کالا یا خدمات دریافت نماید، از منظر سازمان امور مالیاتی، مشمول پرداخت مالیات خواهد بود. بنابراین، حتی در غیاب قانون خاص رم‌زارزها، با تکیه بر اصول کلی حقوق مالیاتی و شناسایی عرفی مالیت، امکان اعمال مالیات وجود دارد.

از منظر اجرایی، نبود ضوابط روشن، ابزارهای قانونی مؤثر، سامانه‌های نظارتی و چارچوب‌های احراز هویت و شناسایی مالکان رم‌زارزها، چالش‌های جدی برای اجرای منظم و عادلانه مالیات‌ستانی از این حوزه ایجاد کرده است. به‌ویژه که رم‌زارزها ذاتاً غیرمتمرکز و بعضاً ناشناس هستند و این ویژگی، نظارت حاکمیتی را دشوار می‌سازد. از این رو، تدوین و تصویب قانونی جامع، شفاف و متناسب با ویژگی‌های فنی و اقتصادی رم‌زارزها، برای تعریف دقیق ماهیت آن‌ها، تعیین مسئولیت‌های مالیاتی و ایجاد ابزارهای اجرایی کارآمد، از اولویت‌های فوری در سیاست‌گذاری مالی کشور به شمار می‌رود.

پرسش دوم: آیا در ایران احکام مشخص و مدونی در زمینه امور مالیاتی مرتبط با رم‌زارزها تدوین و به صورت رسمی ابلاغ شده است؟

در پاسخ باید بیان کرد؛ در حال حاضر، ایران فاقد قانون جامع و صریحی است که به‌طور اختصاصی به امور مالیاتی مرتبط با رم‌زارزها بپردازد. با این حال، سازمان امور مالیاتی کشور تلاش کرده است با تفسیر موسع از قوانین موجود، از جمله قانون مالیات‌های مستقیم و قانون مالیات بر ارزش افزوده، فعالیت‌های مرتبط با رم‌زارزها را در

چارچوب مشمولین مالیاتی قرار دهد. این اقدام بیشتر بر مبنای اصل کلی شمول درآمد و فعالیت اقتصادی در نظام مالیاتی کشور صورت گرفته است، نه بر اساس یک قانون خاص مربوط به رمزارزها.

در خصوص معاملات رمزارزها، سازمان امور مالیاتی موضعی اتخاذ کرده مبنی بر اینکه درآمد حاصل از خرید و فروش این دارایی‌ها، مشمول مالیات بر درآمد است. اگر شخص حقیقی باشد، درآمد وی مشمول مالیات موضوع ماده ۹۳ قانون مالیات‌های مستقیم است و نرخ مالیات آن نیز به صورت پلکانی طبق ماده ۱۳۱ محاسبه می‌شود. در مورد اشخاص حقوقی، این درآمد مشمول مالیات با نرخ ثابت ۲۵ درصد طبق ماده ۱۰۵ همان قانون خواهد بود. در مورد استخراج رمزارزها نیز سازمان امور مالیاتی با استناد به بخشنامه‌هایی که واحدهای ماینینگ را به‌عنوان فعالیت صنعتی تلقی می‌کنند، مالیات بر درآمد حاصل از استخراج را اعمال می‌کند. در برخی موارد، چنانچه رمزارزهای استخراج‌شده وارد چرخه رسمی اقتصادی کشور شوند، امکان برخورداری از نرخ مالیاتی صفر یا مشوق‌هایی نیز وجود دارد.

علاوه بر این، در پیش‌نویس‌های مربوط به قانون مالیات بر عایدی سرمایه، رمزارزها به‌عنوان نوعی دارایی سرمایه‌ای در نظر گرفته شده‌اند. به این معنا که اگر شخصی رمزارزی را با قیمتی خریداری کرده و آن را به قیمت بالاتری بفروشد، سود ناشی از این معامله مشمول مالیات بر عایدی سرمایه خواهد شد. اگرچه این قانون هنوز تصویب نهایی نشده، اما گویای جهت‌گیری قانون‌گذار در راستای شمول رمزارزها در نظام مالیاتی کشور است.

با این وجود، اجرای مؤثر این مقررات با چالش‌های قابل توجهی مواجه است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به نبود چارچوب قانونی خاص و شفاف، دشواری در شناسایی مالکان رمزارزها به دلیل ماهیت غیرمتمرکز و ناشناس آن‌ها، فقدان سازوکارهای نظارتی کارآمد، و عدم دسترسی کامل به اطلاعات تراکنش‌های رمزارزی اشاره کرد. این موانع موجب شده‌اند که علی‌رغم وجود نیت مالیات‌ستانی، اجرای آن در عمل با مشکلات متعددی روبه‌رو باشد و احتمال بی‌عدالتی مالیاتی یا گریز مالیاتی در این حوزه افزایش یابد.

در مجموع، می‌توان گفت اگرچه احکام پراکنده و غیرممدون در خصوص مالیات‌ستانی از رمزارزها در ایران وجود دارد، اما نبود قانون اختصاصی و ابزارهای اجرایی مناسب، مانع از اثربخشی و عدالت در اجرای این احکام شده است. از همین رو، تدوین یک قانون جامع با رویکردی هماهنگ میان نهادهای مالی، پولی، نظارتی و قضایی، برای تنظیم و سامان‌دهی حوزه رمزارزها و مالیات‌ستانی از آن، یک ضرورت اساسی محسوب می‌شود.

پرسش سوم: چه زمانی مالیات به ارزهای دیجیتال تعلق بگیرد و چه افرادی مشمول مالیات باشند؟

در خصوص زمان تعلق مالیات به ارزهای دیجیتال، به نظر می‌رسد مناسب‌ترین و منطقی‌ترین مبنای لحظه تحقق درآمد یا سود باشد. به عبارت دیگر، زمانی که فردی رمزارز را به قیمتی بالاتر از قیمت خرید به فروش می‌رساند، یا در ازای ارائه خدمات یا کالا، رمزارز دریافت می‌کند، در آن لحظه درآمد جدیدی برای او محقق شده و مالیات می‌تواند بر همان اساس محاسبه شود. در چنین حالتی، ارزش ریالی رمزارز در زمان تحقق معامله مبنای شناسایی درآمد قرار می‌گیرد و امکان ارزیابی دقیق‌تری از مبلغ مشمول مالیات فراهم می‌شود.

در مورد فعالیت استخراج رمزارز (ماینینگ) نیز، لحظه‌ای که پاداش استخراج به صورت رمزارز به حساب استخراج‌کننده منتقل می‌شود، می‌تواند زمان تعلق مالیات تلقی گردد. در این حالت، رمزارز دریافتی مشابه درآمد حاصل از تولید صنعتی یا خدماتی محسوب می‌شود و مشمول مالیات بر درآمد خواهد بود. البته در صورتی که این رمزارز بلافاصله وارد چرخه اقتصادی کشور شود (مثلاً به فروش برسد یا برای واردات کالا استفاده شود)، می‌توان مشوق‌های مالیاتی یا نرخ‌های ترجیحی را برای آن در نظر گرفت.

در خصوص تعیین اشخاص مشمول مالیات، لازم است تفکیکی روشن میان گروه‌های مختلف صورت گیرد. افرادی که به صورت حرفه‌ای و مستمر به خرید و فروش رمزارز اشتغال دارند، فعالیت آن‌ها ماهیت تجاری دارد و درآمدشان مشمول مالیات بر درآمد خواهد بود. گروه دوم، کسانی هستند که به صورت غیرحرفه‌ای یا منفعلانه رمزارز خریداری کرده و در زمان مناسب آن را با سود می‌فروشند. در این مورد، مالیات بر عایدی سرمایه مناسب‌تر است، چرا که ماهیت فعالیت آن‌ها سرمایه‌گذاری غیرمستقیم است. گروه سوم، استخراج‌کنندگان هستند که دارایی جدیدی تولید می‌کنند و درآمدشان مشابه واحدهای تولیدی یا خدماتی مشمول مالیات خواهد بود.

از سوی دیگر، باید میان دارندگان خرد رمزارز و فعالان حرفه‌ای تفاوت قائل شد. بسیاری از افراد ممکن است مقادیر اندکی رمزارز به صورت شخصی نگهداری کنند، بدون اینکه فعالیت اقتصادی خاصی داشته باشند. این گروه نباید صرفاً به خاطر نگهداری رمزارز مشمول مالیات شوند، چرا که این اقدام منجر به سردرگمی و سلب اعتماد عمومی خواهد شد. بنابراین، آستانه‌ای برای معافیت مالیاتی رمزارزهای خرد باید تعیین شود و تنها فعالیت‌های اقتصادی روشن و سودآور در دامنه شمول قرار گیرند.

در مجموع، پیشنهاد می‌شود که تعلق مالیات بر رمزارزها بر مبنای تحقق سود واقعی، شناسایی نوع فعالیت، و تفکیک میان استفاده شخصی و تجاری صورت گیرد. ارزش ریالی رمزارز در زمان معامله باید مبنای ارزیابی قرار گیرد، نه قیمت اسمی یا نوسانات گذشته یا آینده آن. تنها در صورت اتخاذ چنین رویکردی است که می‌توان هم عدالت مالیاتی را رعایت کرد و هم از پیچیدگی‌های بی‌مورد و فرار مالیاتی جلوگیری نمود.

پرسش چهارم: چه اقدامی می‌تواند به عنوان نقطه شروع در فرآیند قانون‌گذاری این حوزه مطرح شود؟

پرواضح است، نخستین و مهم‌ترین گام در قانون‌گذاری مالیاتی در حوزه رمزارزها، تعریف دقیق، جامع و روشن مفاهیم پایه‌ای این حوزه است. تا زمانی که در قانون مشخص نشود رمزارز چیست، چه کارکردهایی دارد، چه انواعی دارد و چه جایگاهی در ساختار اقتصادی کشور دارد، نمی‌توان هیچ نظام مالیاتی مؤثری بر آن اعمال کرد. بنابراین، قبل از تعیین نرخ‌ها و مقررات اجرایی، باید قانون‌گذار تکلیف مفاهیم را روشن کند و رمزارز را از سایر دارایی‌ها و ابزارهای مالی مانند پول، اوراق بهادار یا کالاهای سرمایه‌ای جدا سازد.

در این مسیر، باید انواع رمزارزها از هم تفکیک شوند. برای مثال، رمزارزهای غیرمتمرکز مانند بیت‌کوین، رمزارزهای با ثبات مانند آنچه به ارزش دلار یا طلا متصل هستند، رمزپول ملی که توسط بانک مرکزی منتشر می‌شود، و توکن‌های دیجیتالی مانند توکن مالکیت یا آثار هنری دیجیتال، هر یک ویژگی‌های متفاوتی دارند که آثار حقوقی

و مالیاتی متفاوتی به دنبال دارند. تا زمانی که این طبقه‌بندی در قانون آورده نشود، نمی‌توان به‌طور یکسان و عادلانه مالیات بر این دارایی‌ها اعمال کرد.

از سوی دیگر، باید روشن شود که کدام استفاده از رمزارزها در اقتصاد ایران مجاز است و کدام نیست. به عبارت دیگر، اگر استفاده از رمزارز صرفاً برای سرمایه‌گذاری یا واردات کالا مجاز شمرده شود، آن‌گاه مبنای شمول مالیاتی آن متفاوت خواهد بود نسبت به زمانی که رمزارز به‌عنوان وسیله پرداخت در داخل کشور نیز مجاز باشد. این نکته‌ای کلیدی برای تعیین نوع درآمد و زمان تعلق مالیات است.

همزمان با این مراحل، باید سامانه‌هایی برای شناسایی و ثبت فعالیت‌های رمزارزی ایجاد شود. همان‌طور که در حوزه بازار سرمایه، ابزارهایی مانند کد بورسی و سامانه سجام امکان رصد معاملات را فراهم کرده‌اند، در حوزه رمزارز نیز باید زیرساخت‌هایی طراحی شود که اطلاعات مربوط به دارایی‌های دیجیتال اشخاص، تراکنش‌ها، سود و زیان آن‌ها را به شکلی قابل اعتماد به سازمان امور مالیاتی و نهادهای نظارتی منتقل کند. بدون این زیرساخت‌ها، هیچ قانونی در این زمینه عملیاتی نخواهد شد.

در نهایت، قانون‌گذاری در حوزه رمزارزها باید محصول همکاری هماهنگ میان نهادهای مختلف کشور باشد. نباید سازمان امور مالیاتی به‌تنهایی وارد میدان شود و بانک مرکزی، وزارت اقتصاد، مرکز ملی فضای مجازی یا سایر نهادهای مرتبط نادیده گرفته شوند. تنها در صورت هماهنگی این نهادها و تدوین قانونی جامع، امکان تحقق هدف اصلی یعنی تنظیم‌گری شفاف، حمایت از نوآوری و جلوگیری از فرار مالیاتی فراهم می‌شود.

پرسش پنجم: آیا وجود توافق جهانی برای مالیات ستانی از رمزارزها امکان‌پذیر است؟

پرسش از امکان‌پذیری یک توافق جهانی برای مالیات‌ستانی از رمزارزها، ما را با یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات حقوق مالیاتی بین‌الملل روبه‌رو می‌کند. رمزارزها از اساس پدیده‌ای فراملی هستند؛ نه وابسته به مرزهای جغرافیایی‌اند، نه تابع بانک‌های مرکزی خاص، و نه الزاماً در اختیار دولت‌ها قرار دارند. همین ویژگی باعث شده است که هیچ کشور واحدی نتواند به تنهایی نظام مالیاتی فراگیر و مؤثری برای آن طراحی و اجرا کند. از این رو، شکل‌گیری نوعی اجماع یا توافق جهانی در این زمینه، در نگاه اول امری مطلوب و حتی ضروری به نظر می‌رسد. با این حال، تحقق چنین توافقی با موانع جدی روبه‌رو است. نخست، تفاوت گسترده در رویکرد کشورها نسبت به رمزارزها باعث شده است که برخی کشورها مانند السالوادور آن‌ها را به رسمیت بشناسند و به‌عنوان ارز قانونی استفاده کنند، در حالی که برخی دیگر مانند چین یا هند، استفاده عمومی از آن‌ها را ممنوع یا به شدت محدود کرده‌اند. این ناهمگونی در سیاست‌ها، مانع بزرگی در راه رسیدن به استاندارد مالیاتی مشترک است.

دوم، اصول حاکم بر نظام مالیاتی کشورها نیز یکسان نیست. برخی کشورها نظام مالیات بر درآمد دارند، برخی نظام مالیات بر عایدی سرمایه، و برخی دیگر اصول مبتنی بر مالیات بر ثروت یا انتقال دارایی. در چنین شرایطی، تعیین اینکه درآمد حاصل از رمزارزها تحت کدام نظام قرار گیرد و با چه نرخ و معافیتی مشمول مالیات شود، نیازمند مذاکرات پیچیده و زمان‌بر میان دولت‌هاست.

سوم، نبود سازوکار جهانی قابل اعتماد برای تبادل اطلاعات مالیاتی در حوزه رمزارزها، حتی اگر اراده سیاسی برای همکاری وجود داشته باشد، همچنان مانع اجرای مؤثر توافقات است. در حال حاضر، نظام‌هایی مانند استاندارد CRS یا طرح BEPS که توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) طراحی شده‌اند، تا حدودی در تبادل اطلاعات بانکی موفق بوده‌اند، اما هنوز در حوزه رمزارزها، چنین نظام فراگیری وجود ندارد. با این حال، برخی نشانه‌های امیدبخش نیز وجود دارد. طی سال‌های اخیر، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی پیش‌نویس استانداردی با عنوان «چارچوب گزارش‌دهی رمزارزها» منتشر کرده که هدف آن ایجاد چارچوب بین‌المللی برای شناسایی تراکنش‌ها و گزارش آن‌ها به نهادهای مالیاتی است. همچنین، برخی کشورها از طریق تفاهم‌نامه‌های دوجانبه یا همکاری‌های منطقه‌ای، تلاش کرده‌اند تا سامانه‌هایی برای رصد و مالیات‌ستانی مشترک ایجاد کنند. این اقدامات، هرچند هنوز در مراحل ابتدایی است، اما می‌تواند سنگ‌بنای یک نظم جهانی در آینده نزدیک باشد.

در مجموع، اگرچه توافق جهانی درباره مالیات رمزارزها در حال حاضر در مرحله ایده‌آل و آرمانی قرار دارد و با موانع حقوقی، فنی و سیاسی زیادی روبه‌رو است، اما با توجه به گسترش روزافزون استفاده از رمزارزها و اثرگذاری آن‌ها بر نظام مالی جهان، بعید نیست که طی دهه آینده، کشورها به ناچار به سمت نوعی هماهنگی و تنظیم‌گری بین‌المللی در این حوزه حرکت کنند. ایران نیز باید از هم‌اکنون در این روند حضور فعال داشته باشد و تلاش کند مواضع خود را در قالب همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی در این زمینه تثبیت کند.

باتوجه به پنج پرسش مهم مطرح شده و بر اساس گزارش منتشر شده از سوی انجمن بلاکچین، صنعت ارزهای دیجیتال به‌رغم نوپا بودن به یکی از بخش‌های قابل توجه اقتصاد ایران تبدیل شده است. سهم ۱.۸۳ درصدی این صنعت از تولید ناخالص داخلی کشور نشان‌دهنده اهمیت روزافزون آن در اقتصاد ملی است. این جایگاه ضرورت توجه سیاست‌گذاران به تدوین چارچوب‌های قانونی و نظارتی متناسب را دو چندان می‌کند. باید تاکید کرد که توسعه پایدار این صنعت نیازمند همکاری نزدیک بخش خصوصی و نهادهای تنظیم‌گرا است.

مالیات بر رمزارزها برای فعالان اقتصادی بخش خصوصی از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا هم نقش تعیین‌کننده‌ای در شفافیت و رسمیت‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی ایفا می‌کند و هم ابزاری برای مدیریت ریسک‌های حقوقی و مالی محسوب می‌شود. با توجه به گسترش روزافزون استفاده از رمزارزها در تبادلات مالی و سرمایه‌گذاری، مشخص بودن چارچوب‌های مالیاتی می‌تواند به فعالان اقتصادی کمک کند تا با اطمینان بیشتری وارد این حوزه شوند و از مزایای آن بهره‌مند گردند. پرداخت مالیات به دولت، به منزله‌ی به رسمیت شناخته شدن فعالیت‌های مرتبط با رمزارزها است و این موضوع موجب می‌شود شرکت‌ها و افراد فعال در این عرصه بتوانند از خدمات رسمی مانند بانکداری، بیمه، حسابرسی و تسهیلات مالی بهره ببرند. در مقابل، نبود قوانین مالیاتی

مشخص یا عدم پرداخت مالیات ممکن است فعالان را با مشکلات قانونی، از جمله جریمه سنگین یا مسدود شدن دارایی‌ها مواجه سازد.

از سوی دیگر، وجود یک ساختار مالیاتی روشن امکان برنامه‌ریزی مالی دقیق‌تری را برای فعالان اقتصادی فراهم می‌آورد. این موضوع به‌ویژه در فضای پرنوسان رمزارزها اهمیت دوچندان دارد، چراکه شرکت‌ها باید بدانند در چه زمانی، به چه میزان، و با چه مکانیسمی مالیات پرداخت خواهند کرد تا بتوانند درباره فروش، نگهداری یا مبادله دارایی‌های خود تصمیمات هوشمندانه‌تری بگیرند. برای مثال، در نظام‌های مالیاتی‌ای که مالیات بر سود سرمایه دریافت می‌شود، فعالان ممکن است ترجیح دهند رمزارزها را بلندمدت‌تر نگه دارند تا در زمان مناسب و با صرفه اقتصادی بالاتری آن‌ها را بفروشند.

افزون بر این، رعایت الزامات مالیاتی در حوزه رمزارزها برای فعالانی که با بازارهای بین‌المللی در تعامل هستند، اهمیت مضاعفی دارد، چراکه کشورهای پیشرو در حوزه فناوری‌های مالی، مانند ایالات متحده، آلمان، ژاپن و استرالیا، قوانین مشخص و نسبتاً سخت‌گیرانه‌ای برای مالیات‌گیری از رمزارزها دارند. از این رو، همگام شدن با استانداردهای جهانی نه تنها به افزایش اعتبار شرکت‌ها و کاهش ریسک‌های حقوقی کمک می‌کند، بلکه آن‌ها را برای ورود به بازارهای جهانی آماده‌تر می‌سازد. در مجموع، می‌توان گفت که وجود قوانین مالیاتی شفاف و عادلانه در حوزه رمزارزها نه تنها امنیت و ثبات بیشتری برای فعالان اقتصادی فراهم می‌آورد، بلکه به رشد و توسعه اقتصاد دیجیتال و تقویت جایگاه بخش خصوصی در عرصه فناوری‌های نوین منجر خواهد شد.

۶. جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی

موضوع مالیات بر ارزش‌های دیجیتال همچنان یک مسئله پیچیده و در حال تحول در حوزه‌های قضایی مختلف به‌شمار می‌رود. دولت‌ها در سراسر جهان با چالش طبقه‌بندی ارزش‌های دیجیتال و تعیین روش مناسب برای مالیات‌دهی بر آن‌ها مواجه هستند. با توجه به تجارب کشورها، اعمال مالیات بر رمز ارزها بدواً نیازمند تعریف دقیق آن‌ها در قانون است. کشورهای مختلف رویکردهای متفاوتی را اتخاذ کرده‌اند؛ برخی از ارزش‌های دیجیتال به‌عنوان ارز، کالا یا دارایی برای اهداف مالیاتی استفاده می‌کنند. رمزارزها با فناوری پیچیده و رو به رشدی که دارند چالش‌هایی را برای سازمان‌های مالیاتی ایجاد کرده‌اند. فقدان تعریف قانونی از رمز ارزها، غیر متمرکز بودن رمزارزها، غیرقابل شناسایی بودن کاربران آن، عدم تمکین کاربران در گزارش دقیق تراکنش‌ها، نوسانات شدید قیمتی رمزارزها، وسعت و تنوع زیاد رمز ارزها و فقدان نیروهای متخصص مالیاتی در این زمینه از جمله چالش‌های مهم در این حوزه هستند. در ادامه به‌منظور بهره‌برداری از فرصت‌ها و کاهش چالش‌های این حوزه پیشنهادات سیاستی و اقداماتی برای توسعه چارچوب‌های قانونی و مالیاتی رمزارزها در کشور ارائه شده است. برای ارائه پیشنهادات سیاستی مؤثر در زمینه مالیات‌ستانی از رمزارزها در ایران، ضروری است که به تجارب بین‌المللی و استانداردهای جهانی توجه ویژه‌ای شود. در این راستا، تحلیل مدل‌های مالیاتی و ابزارهای نظارتی کشورهای پیشرو می‌تواند راهگشا باشد. به‌ویژه، توجه به رهنمودهای سازمان‌های بین‌المللی مانند OECD، صندوق بین‌المللی پول (IMF) و گروه ویژه اقدام مالی (FATF) در تنظیم سیاست‌های مالیاتی در ایران بسیار اهمیت دارد.

۱. تدوین قوانین شفاف و الزام‌آور؛ با توجه به گسترش سریع استفاده از رمزارزها و تاثیرات آن‌ها بر نظام مالی کشورها، تدوین قوانین شفاف و الزام‌آور در این زمینه برای ایران امری ضروری است. این قوانین نه تنها به کاهش ناشناس بودن معاملات کمک خواهد کرد، بلکه قادر است شفافیت مالیاتی را تقویت کند و از وقوع تخلفات مالیاتی جلوگیری نماید. در راستای ایجاد چنین چارچوبی، لازم است که قوانین مالیاتی ویژه ارزش‌های دیجیتال تدوین شود تا به‌طور مشخص و شفاف، نحوه شناسایی، مالیات‌ستانی و نظارت بر تراکنش‌های مرتبط با رمزارزها روشن شود. این قوانین باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که در بر گیرنده همه فعالیت‌های مرتبط با رمزارزها باشند، از جمله تعریف شفاف رمز ارز معاملات، استخراج، استیکینگ و استفاده از رمزارزها به‌عنوان ابزاری برای پرداخت. یکی از مهم‌ترین اقدامات در این زمینه، ایجاد الزامات قانونی برای گزارش معاملات رمزارزها توسط صرافی‌ها و پلتفرم‌ها به سازمان امور مالیاتی است. همان‌طور که در کشورهای پیشرفته نظیر ایالات متحده و اتحادیه اروپا، صرافی‌ها موظف به گزارش‌دهی تراکنش‌های کاربران به مقامات مالیاتی هستند، ایران نیز می‌بایست صرافی‌ها و پلتفرم‌های رمزارزی را ملزم به ثبت و گزارش‌دهی تمامی تراکنش‌ها و اطلاعات کاربران کند. این اقدامات به مقامات مالیاتی این امکان را می‌دهد که تراکنش‌های مشکوک یا نادرست را شناسایی کرده و از فرار مالیاتی جلوگیری کنند. علاوه بر این، برای اطمینان از اجرای مؤثر قوانین مالیاتی، تعریف مسئولیت‌های کیفی و مالی برای تخلفات ناشی از کتمان اطلاعات یا فرار مالیاتی از سوی اشخاص

حقیقی و حقوقی ضروری است. در صورتی که افراد یا نهادها از گزارش‌دهی صحیح اطلاعات تراکنش‌ها و فعالیت‌های مالی خود در زمینه رمزارزها امتناع کنند یا اقدام به فرار مالیاتی نمایند، باید مجازات‌های متناسب با تخلفات آن‌ها در نظر گرفته شود.

۲. تقویت زیرساخت‌های فنی برای ردیابی معاملات؛ برای ایجاد یک سیستم مالیاتی کارآمد و شفاف در ایران، تقویت زیرساخت‌های فنی برای ردیابی دقیق معاملات رمزارزها یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. در شرایط کنونی، بسیاری از تراکنش‌های مرتبط با رمزارزها به دلیل ناشناخته بودن ماهیت آن‌ها و امکان پنهان‌کاری، به راحتی از دید مقامات مالیاتی پنهان می‌مانند. بنابراین، برای جلوگیری از فرار مالیاتی و ایجاد شفافیت در بازار رمزارزها، باید به تقویت زیرساخت‌های فنی و استفاده از ابزارهای پیشرفته تحلیل بلاکچین توجه جدی کرد. سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین برای ردیابی تراکنش‌های بلاکچینی، به‌ویژه ابزارهایی نظیر Chainalysis و Elliptic که قابلیت ردیابی و تحلیل تراکنش‌های رمزارز را دارند، می‌تواند به سازمان‌های مالیاتی این امکان را بدهد که به‌طور مؤثر تراکنش‌ها را تحت نظر قرار دهند و تخلفات مالیاتی را شناسایی کنند. این نوع فناوری‌ها، به‌ویژه در مواجهه با تراکنش‌های پیچیده و غیرشفاف، نقش حیاتی در بهبود نظارت مالی دارند. کنار این، همکاری با شرکت‌های فناوری برای توسعه پلتفرم‌های نظارتی پیشرفته نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. ایجاد این پلتفرم‌ها نه تنها به تسهیل فرآیند جمع‌آوری داده‌ها کمک می‌کند بلکه امکان تحلیل دقیق و به‌موقع تراکنش‌های مالی را فراهم می‌سازد. این پلتفرم‌ها باید قابلیت تجزیه و تحلیل داده‌های بلاکچینی در مقیاس بزرگ را داشته باشند تا بتوانند الگوهای معاملاتی مشکوک را شناسایی کنند و به مقامات مالیاتی هشدار دهند. علاوه بر این، ایجاد تیم‌های تخصصی در سازمان امور مالیاتی برای تحلیل داده‌های بلاکچین نیز می‌تواند به شفاف‌سازی بیشتر کمک کند. این تیم‌ها باید از تخصص‌های مختلف شامل تحلیل داده، امنیت سایبری و آشنایی با مفاهیم بلاکچین برخوردار باشند تا بتوانند به‌طور مؤثر و به‌روز با پیچیدگی‌های جدید بازار رمزارزها مقابله کنند. این اقدامات در کنار یکدیگر می‌تواند به افزایش دقت در ردیابی و ثبت دقیق تراکنش‌های مالی رمزارزها در ایران کمک کنند و در نهایت زمینه را برای شفافیت بیشتر در بازار فراهم نمایند.

۳. الزام به ارائه داده و اطلاعات مالی؛ الزام به ارائه داده و اطلاعات مالی در حوزه رمزارزها، یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای دستیابی به نظام مالیاتی شفاف، عادلانه و کارآمد است. بدون دسترسی نهادهای مالیاتی به داده‌های دقیق و به‌موقع، امکان ارزیابی صحیح فعالیت‌های اقتصادی کاربران، محاسبه مالیات و جلوگیری از فرار مالیاتی وجود نخواهد داشت. در این راستا، تصویب قوانین الزام‌آور برای صرافی‌های رمزارزی، ارائه‌دهندگان کیف پول‌های دیجیتال و سایر کسب‌وکارهای فعال در این حوزه، گامی اساسی در جهت استقرار یک نظام مالیاتی مؤثر محسوب می‌شود. این قوانین باید این نهادها را موظف سازند که اطلاعات کلیدی مالی کاربران شامل میزان دارایی، گردش تراکنش‌ها، منبع درآمد و هویت کاربران را به‌صورت دوره‌ای در اختیار سازمان امور مالیاتی کشور قرار دهند.

علاوه بر وضع الزامات قانونی، سیاست‌گذار می‌تواند از مکانیسم‌های تشویقی برای افزایش ثبت داوطلبانه اطلاعات مالی توسط کاربران حقیقی و حقوقی استفاده کند. برای مثال، اعطای تخفیف‌های مالیاتی، معافیت‌های موقت یا اولویت در ارائه خدمات رسمی به کاربرانی که به‌صورت داوطلبانه اطلاعات مالی رمز ارزی خود را ثبت می‌کنند، می‌تواند انگیزه بالایی برای شفاف‌سازی مالیاتی ایجاد کند. این سیاست دو وجه دارد: نخست، افزایش پوشش اطلاعاتی دولت از فضای رمز ارزها، و دوم، ارتقای اعتماد فعالان بازار به نهادهای مالیاتی. به این ترتیب، از یک‌سو نهاد ناظر مالیاتی قادر خواهد بود با استناد به داده‌های واقعی تصمیم‌گیری کند، و از سوی دیگر، مشارکت داوطلبانه کاربران از طریق مشوق‌ها می‌تواند به تدریج فرهنگ شفافیت مالی را در بازارهای رمز ارزی نهادینه کند.

۴. هماهنگی با قوانین بین‌المللی؛ هماهنگی ایران با قوانین و استانداردهای بین‌المللی در حوزه مالیات‌ستانی از رمز ارزها، ضرورتی انکارناپذیر است. زیرا عدم هم‌راستایی با این چارچوب‌ها نه تنها زمینه‌ساز فرار مالیاتی و خروج سرمایه از کشور می‌شود، بلکه موجب می‌گردد ایران در فرآیندهای مالی جهانی دچار انزوا شده و فرصت بهره‌برداری از ظرفیت‌های مالیاتی موجود در بازارهای دیجیتال را از دست دهد. یکی از مهم‌ترین گام‌هایی که ایران می‌تواند در این مسیر بردارد، ایجاد زیرساخت برای تبادل داده‌های مالیاتی مرتبط با رمز ارزها با دیگر کشورهاست. این اقدام با الگوگیری از چارچوب‌هایی نظیر (CARF) که توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) تدوین شده، امکان ردگیری فعالیت‌های مالیاتی کاربران در سطح بین‌المللی را فراهم می‌کند و از استفاده مجرمانه یا پنهانی از رمز ارزها جلوگیری خواهد کرد. پیشنهاد می‌شود با پیوستن به مجامع و نهادهای بین‌المللی همچون FATF، ضمن کاهش ریسک‌های ناشی از مبادلات غیرشفاف رمز ارزی، در مسیر بهینه‌سازی نظارت مالیاتی و همگرایی حقوقی با اقتصاد جهانی گام برداشت. این اقدامات نه تنها به بهبود شفافیت کمک می‌کند، بلکه از بروز پدیده‌هایی چون سرمایه‌گریزی، پول‌شویی و فرار مالیاتی گسترده در بازار رمز ارزها جلوگیری می‌نماید.

۵. استانداردسازی ارزش‌گذاری رمز ارزها؛ برای ارتقاء شفافیت در نظام مالیاتی مرتبط با دارایی‌ها و معاملات رمز ارزی، یکی از گام‌های اساسی و زیرساختی، استانداردسازی ارزش‌گذاری رمز ارزها است. فقدان یک چارچوب دقیق و یکسان برای تعیین ارزش رمز ارزها در زمان انجام تراکنش، موجب ابهام در محاسبه مالیات بر سود سرمایه، درآمد یا حتی مالیات بر دارایی می‌شود. به همین دلیل، بسیاری از نظام‌های مالیاتی پیشرو در جهان، به سمت تعریف و اجرای روش‌های مشخصی برای ارزش‌گذاری روزانه و میانگین‌گیری قیمت رمز ارزها حرکت کرده‌اند. این روش‌ها می‌توانند شامل میانگین قیمت بازار در بازه مشخص، میانگین وزنی بر اساس حجم معاملات، یا استفاده از مرجع قیمتی استاندارد باشند. در این راستا، همکاری با صرافی‌های معتبر بین‌المللی و داخلی نیز اهمیت زیادی دارد؛ چرا که به‌روزرسانی مستمر داده‌های قیمتی از منابع موثق، نقش مهمی در تعیین ارزش دقیق دارایی‌های دیجیتال ایفا می‌کند.

چنین همکاری‌هایی می‌تواند به ایجاد یک نرخ رسمی یا مرجع برای ارزش رمزارزها در کشور کمک کند که مبنای محاسبه مالیات در انواع سناریوها از جمله فروش، مبادله، دریافت دستمزد یا درآمدهای استخراج باشد. همچنین، در صورتی که این فرآیند در قالب سامانه‌ای مشترک میان سازمان امور مالیاتی، بانک مرکزی و سایر نهادهای مرتبط انجام شود، امکان کاهش فرار مالیاتی و افزایش شفافیت اقتصادی نیز فراهم خواهد شد.

۵. توسعه قوانین مالیات بر ثروت دیجیتال؛ توسعه قوانین مالیاتی مرتبط با ثروت دیجیتال در ایران، یکی از گام‌های راهبردی برای مقابله با تمرکز ثروت‌های غیرمشمول مالیات و تحقق عدالت مالیاتی است. در این راستا، نخستین اقدام کلیدی، تعریف چارچوب حقوقی مشخص برای شناسایی دارایی‌های دیجیتال به‌عنوان نوعی از ثروت قابل مالیات‌ستانی است. این اقدام باید در متن قوانین مالیات بر ثروت یا مقررات تکمیلی آن لحاظ گردد و دارایی‌های دیجیتال، نظیر بیت‌کوین، اتریوم یا سایر توکن‌های با ارزش اقتصادی، تحت عنوان دارایی مشمول مالیات شناخته شوند. بر اساس تجربیات جهانی، شناسایی قانونی رمزارزها به‌عنوان دارایی مشمول مالیات، زمینه را برای شفافیت مالیاتی و جلوگیری از تمرکز غیرمنصفانه ثروت فراهم می‌سازد.

گام دوم در این مسیر، ایجاد نظام خوداظهاری برای دارندگان کیف پول‌های دیجیتال است. این سازوکار می‌تواند صاحبان دارایی‌های رمزنگاری‌شده را موظف کند که به‌صورت دوره‌ای، اطلاعات مربوط به موجودی و تراکنش‌های کیف پول‌های دیجیتال خود را در سامانه‌ای مشخص ثبت کنند. چنین سازوکاری نه تنها امکان ارزیابی دقیق‌تری از میزان ثروت دیجیتال در سطح جامعه را فراهم می‌کند، بلکه به دولت این توان را می‌دهد که بر جریان گردش رمزارزها نظارت داشته باشد و از فرار مالیاتی در این حوزه جلوگیری کند. این نظام باید با مشوق‌هایی برای شفاف‌سازی و همچنین ضمانت‌های اجرایی مؤثر در برابر عدم اظهار دارایی‌های دیجیتال همراه باشد تا کارآمدی و الزام‌آوری آن تضمین گردد.

شایان ذکر است با توجه به اینکه رمزارزها در دوران تحریم می‌توانند به عنوان راهکاری جایگزین برای انجام تراکنش‌های مالی بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرند و از محدودیت‌های نظام بانکی سنتی مصون بمانند، لازم است چارچوب‌های قانونی مشخصی برای استفاده از آن‌ها تدوین شود.

در مجموع، اجرای مالیات بر رمزارزها بدون تعیین تکلیف قانونی، بدون زیرساخت اطلاعاتی، بدون هماهنگی نهادی و بدون در نظر گرفتن شرایط بین‌المللی، به نتیجه نخواهد رسید. تنها با پذیرفتن واقعیت رمزارزها به‌عنوان بخشی از آینده اقتصاد دیجیتال و مدیریت فعالانه آن‌ها در قالب رویکرد قانونی و شفاف، می‌توان نظام مالیاتی منصفانه، پایدار و کارآمدی در این حوزه طراحی و اجرا کرد.



منابع

1. Liu, J., & Wu, J. (2024). A comprehensive survey on blockchain technology and its applications. *Highlights in Science, Engineering and Technology*, 85, 128-138.
2. Wang, T., Hua, H., Wei, Z., & Cao, J. (2022). Challenges of blockchain in new generation energy systems and future outlooks. *International Journal of Electrical Power & Energy Systems*, 135, 107499.
3. Baranwal, G., Kumar, D., & Vidyarthi, D. P. (2023). Blockchain based resource allocation in cloud and distributed edge computing: A survey. *Computer Communications*, 209, 469-498.
4. Hilmola, O. P. (2021). On prices of privacy coins and Bitcoin. *Journal of Risk and Financial Management*, 14(8), 361.
5. Fiedler, I., & Ante, L. (2023). Stablecoins. In *The emerald handbook on cryptoassets: investment opportunities and challenges* (pp. 93-105). Emerald Publishing Limited.
6. Momtaz, P. P. (2023). Security tokens. In *The Emerald Handbook on Cryptoassets: Investment Opportunities and Challenges* (pp. 61-78). Emerald Publishing Limited.
7. Benedetti, H., Caceres, C., & Abarzúa, L. Á. (2023). Utility tokens. In *The Emerald Handbook on Cryptoassets: Investment Opportunities and Challenges* (pp. 79-92). Emerald Publishing Limited.
8. Bezhovski, Z., Davcev, L., & Mitreva, M. (2021). CURRENT ADOPTION STATE OF CRYPTOCURRENCIES AS AN ELECTRONIC PAYMENT METHOD. *Management Research & Practice*, 13(1).
9. IMF. (2023). Taxing Cryptocurrencies.
10. David, Y. (2024). The Legal Intricacies and Uncertainties in Cryptocurrency Transactions: A Multi-jurisdictional and Comparative Analysis Pertaining to Regulation and Taxation. Available at SSRN 4922302.
11. Singh, A. P., & Shukla, D. (2022). A Comparative Review of Taxation Policies concerning Cryptocurrencies. *Prayagraj L. Rev.*, 1, 45.
12. OECD (2020), *Taxing Virtual Currencies: An Overview of Tax Treatments and Emerging Tax Policy Issues*, OECD Publishing, Paris.